

کاربرد الگوی عقلایی در تصمیم‌گیری‌های راهبردی برای تولید صیانتی از میدان مشترک پارس جنوبی-گنبد شمالی: مدل مفهومی با تأکید بر الزامات حقوقی

علیرضا غفاری و عاطفه تکلیف

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۲۴

چکیده

تولید غیرصیانتی از میدان فوق‌عظیم و مشترک پارس جنوبی-گنبد شمالی لطمات جدی و جبران‌ناپذیری برای ایران و قطر به همراه دارد. متأسفانه دو کشور ایران و قطر علی‌رغم وجود راهبردهای متعارف بهره‌برداری از میدان مشترک در معاهدات بین‌المللی، تاکنون برای استفاده از این راهبردها جهت رعایت اصول و موازین تولید صیانتی اقدام جدی ننموده‌اند. برای دستیابی به راهبرد عملی و قابل اجرا پیشنهاد شده است که از الگوی عقلایی در تصمیم‌گیری استفاده شود تا در صورت تأمین شرایط و مفروضات این الگو، توانایی اتخاذ تصمیم مشترک از سوی دو کشور برای مدیریت مشترک این میدان در راستای دستیابی به تولید صیانتی فراهم شود. برای تحقق این هدف ضروری است هر دو کشور، اصلاحات اساسی در حقوق نفت و گاز خود ایجاد نمایند. از این رو، پس از شناسایی نقاط ضعف در نظام حقوقی نفت و گاز هر دو کشور، برخی اصلاحات مورد نیاز پیشنهاد شده است.

طبقه‌بندی JEL: Q34, Q49, Q39, N55

واژه‌های کلیدی: تولید صیانتی، میدان مشترک پارس جنوبی-گنبد شمالی، راهبردهای متعارف بهره‌برداری از میدان مشترک، الگوی عقلایی در تصمیم‌گیری.

۱. دانشجوی دکتری اقتصاد نفت و گاز گرایش حقوق و قراردادهای نفت و گاز، دانشگاه علامه طباطبائی

Email: ar.ghafari@yahoo.com

۲. استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

Email: a.taklif@atu.ac.ir

۱- مقدمه

اقتصاد جهانی در وضعیت کنونی و قطعاً در چشم‌انداز بلندمدت، به انرژی فسیلی و به ویژه نفت و گاز وابسته است و هنوز کاربرد فناوری‌های جدید نتوانسته است استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر را با قابلیت اتکا و در حد رقابت و یا جایگزینی برای نفت و گاز نوید دهد، به ویژه آنکه طیف گسترده‌ای از مشتقات نفتی و محصولات پتروشیمی از نفت و گاز به دست می‌آید. از این رو، توسعه مخازن نفت و گاز از اهمیت زیادی برخوردار است. به گزارش آژانس بین‌المللی انرژی^۱ در سال ۲۰۱۴، تقاضای انرژی تا سال ۲۰۴۰ میلادی حدود ۳۷ درصد رشد خواهد کرد و در این میان، سهم گاز طبیعی و سوخت‌هایی که آلاینده‌گی کمتری ایجاد می‌نمایند بیشتر خواهد بود. تولید جهانی گاز طبیعی در سال ۲۰۴۰ به ۵۴۰۰ میلیارد متر مکعب خواهد رسید هرچند سهم قابل ملاحظه منابع گازی غیر متعارف را نمی‌توان از نظر دور داشت که طی دوره ۲۰۱۴ تا ۲۰۴۰، از ۱۷ درصد به ۳۱ درصد افزایش خواهد یافت. بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی، دستیابی به این رشد از منظر کیفیت منابع گازی قابل حصول است اما نیاز به سرمایه‌گذاری انباشتی بیش از ۱۱ تریلیون دلار در زنجیره عرضه گاز در شرایط عدم قطعیت ناشی از قیمت‌گذاری داخلی و منطقه‌ای، یک چالش جدی در این زمینه ایجاد می‌نماید.

بزرگترین میدان گازی جهان در خلیج فارس و مرز مشترک دو کشور ایران و قطر واقع شده است. این میدان فوق‌عظیم، در طرف ایران به میدان پارس جنوبی و در طرف قطر به میدان گنبد شمالی^۲ معروف است. تقریباً تمامی ذخایر گاز اثبات شده قطر و همچنین قریب به نیمی از ذخایر گاز اثبات شده ایران در این میدان قرار دارد (غفاری، ۱۳۹۲). میدان فوق‌عظیم مشترک پارس جنوبی - گنبد شمالی^۳ ۹۷۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد که حدود ۳۷۰۰ کیلومتر مربع آن در ایران و مابقی در قطر قرار دارد. حجم گاز در جای اولیه در هر دو بخش مخزن ۵۱ تریلیون متر مکعب و مایعات گازی در جای آن ۵۰ میلیارد بشکه است. حجم گاز در جای بخش ایرانی حدود ۱۴ تریلیون متر مکعب و میزان میعانات گازی آن

1. IEA: International Energy Agency, *World Energy Outlook 2014*.

2. North Dome

۳. در ادامه این مقاله، میدان فوق‌عظیم پارس جنوبی - گنبد شمالی برای رعایت اختصار و هر جا که مناسب داشته باشد تحت عنوان میدان پارس جنوبی ذکر می‌شود.

کاربرد الگوی عقلایی در تصمیم‌گیری‌های راهبردی برای تولید صیانتی از میدان مشترک پارس جنوبی ... ۱۳۹

حدود ۱۸ میلیارد بشکه برآورد گردیده‌است. طی سالیان گذشته، دو کشور ایران و قطر بخش قابل توجهی از تقاضای داخلی خود به انرژی را از طریق تولید گاز از این میدان فوق‌عظیم پاسخ داده‌اند هرچند آمار تقاضای داخلی ایران به مراتب بیش از قطر است، ضمن آنکه قطر درآمد قابل توجهی از صادرات محصولات این میدان کسب نموده است. موضوع بهره‌برداری از منابع فسیلی مشترک بین دو یا چند کشور، در تاریخ جهان همواره محل مناقشات بزرگی بوده است. قواعد حقوقی بین‌المللی حاکم بر این موضوع عموماً جنبه الزام‌آور نداشته و لذا کشورها در یک فضای دو یا چند جانبه با این مسئله مواجه بوده‌اند. برخی کشورها با استفاده از توصیه‌های بین‌المللی و یا براساس توافقات فی‌مابین، از راهبرد برقراری معاهدات مشترک استفاده نموده‌اند. میادین مشترک این کشورها، عموماً از منظر حجم ذخایر اثبات شده، در طبقه میادین متوسط یا کوچک قرار داشته و لذا فرایند تصمیم‌گیری برای اقدامات مشترک با کشور یا کشورهای همسایه تسهیل می‌گردد زیرا توسعه میادین مشترکی که از جنبه اقتصادی، منافع متوسط یا کمی دارند، کشورهای صاحب آن را در برخورد متقابل تعدیل نموده و طبعاً راه‌حل‌های دیپلماتیک که مبتنی بر اصول منطقی در بهره‌برداری از میادین فسیلی می‌باشد، کارگشا خواهد بود. موافقتنامه ژاپن و کره جنوبی (۱۹۷۴)، یادداشت تفاهم مالزی و ویتنام (۱۹۹۲)، کلمبیا و جامائیکا (۱۹۹۳) و ترکیه و سوریه (۲۰۰۴) از این دسته‌اند.

در برخی دیگر از موارد، در کشورهایی که با هم اشتراکات اجتماعی یا سیاسی گسترده‌ای دارند و یا یک کشور، به نوعی تحت سلطه یا استعمار سیاسی کشور دیگر می‌باشد، فارغ از حجم میدان مشترک، نمونه‌هایی از این معاهدات دیده می‌شود. به عنوان نمونه در ماده ۲ موافقتنامه تحدید حدود بین عربستان سعودی و بحرین^۱، مختصات جغرافیایی میدان نفتی ابوصفا بین خط مرزی دو کشور تعیین گردید که تحت حاکمیت عربستان قرار گرفت و عربستان مجاز شد نسبت به بهره‌برداری از آن اقدام کند و نیمی از درآمد حاصل را به بحرین پرداخت نماید. اما اکثر قریب به اتفاق کشورهایی که میادین

عظیم یا فوق‌عظیم^۱ در مرز مشترک آنها قرار داشته و استقلال کافی در روابط فی‌مابین خصوصاً در حوزه روابط سیاسی داشته‌اند، راه‌حل بهره‌برداری رقابتی را در دستور کار خود قرار داده‌اند. این کشورها پایبندی کمتری نسبت به توصیه‌های بین‌المللی از خود نشان داده و با حداقل توافقات و تفاهات مشترک، سعی در بهره‌مندی بیشتر از این میادین داشته و همچنان دارند. میدان مشترک پارس جنوبی از بهترین نمونه‌های مربوط به این دسته از میادین است. طبعاً در چنین شرایطی، توجه به ضوابط فنی تولید صیانتی و ازدیاد برداشت کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و هر یک از کشورهای ذی‌نفع صرفاً سعی در حداکثرسازی تولید خود خواهند داشت. لذا مسئله اساسی در این مطالعه آن است که بهترین راهبرد برای دستیابی به تولید صیانتی از میدان مشترک پارس جنوبی - گنبدشمالی به منظور بهره‌مندی بیشتر دو کشور از منافع آن کدام است؟

برای این منظور در بخش دوم مقاله نخست به ضرورت و اهمیت تولید صیانتی از میدان مشترک پارس جنوبی می‌پردازیم. سپس راهبردهای متعارف بهره‌برداری از میادین مشترک که در معاهدات بین‌المللی مورد استفاده قرار گرفته‌اند در بخش سوم مطرح خواهد شد و در بخش چهارم، امکان‌سنجی کاربرد این راهبردها در خصوص میدان مشترک پارس جنوبی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. مبنای نظری این پژوهش، موضوع بخش پنجم است. الگوی عقلانی در تصمیم‌گیری که چارچوب‌های آن را استونر، فری‌من و گیلبرت^۲ (۱۳۸۹) معرفی نموده‌اند، زمینه‌ساز اصلی پایبندی ایران و قطر به تولید صیانتی از میدان مشترک پارس جنوبی در این پژوهش است. این الگو در تحلیل روابط کشورها نیز کاربرد داشته است. به‌عنوان نمونه آلیسون^۳ این الگو را در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل تحت عنوان بازیگر خردمند مفهوم پردازی کرده است (سلیمانی، ۱۳۹۰). برای بهره‌مندی از این الگو، مطالب را با بررسی الزامات حقوقی تولید صیانتی از میدان مشترک

۱. یادآوری می‌شود که میدانهای عظیم نفتی Giant Oil Fields، میدانهایی هستند که ذخایر نهایی آنها بیش از ۵۰۰ میلیون بشکه باشد. میدانهایی که ذخایر نهایی آنها بیش از ۱۰ میلیارد بشکه است، میدانهای فوق‌عظیم یا Super Giant Fields نام دارند. می‌توان براساس نسبت «هر بشکه نفت معادل ۶ هزار پای مکعب گاز» در خصوص میادین گازی معادلسازی نمود. (سعیدی، ۱۳۸۱)

2. Stoner, Freeman and Gilbert

3. Allison

کاربرد الگوی عقلایی در تصمیم‌گیری‌های راهبردی برای تولید صیانتی از میدان مشترک پارس جنوبی ... ۱۴۱

پارس جنوبی پی می‌گیریم. وضعیت فعلی حقوق نفت و گاز از منظر تولید صیانتی در دو کشور ایران و قطر در بخش ششم مورد بررسی قرار می‌گیرد و در بخش هفتم نیز جمع‌بندی مطالب و راهکارهای منطبق بر چارچوب نظری تحقیق ارائه شده است.

۲- ضرورت و اهمیت توجه به تولید صیانتی از میدان مشترک پارس جنوبی

از واژه «تولید صیانتی» تعاریف متعددی ارائه شده است. در بند ۷ از ماده ۱ قانون اصلاح قانون نفت مصوب ۱۳۹۰، تولید صیانت شده ذخایر هیدروکربنی عبارت است از: «کلیه عملیاتی که منجر به برداشت بهینه و حداکثری ارزش اقتصادی تولید از منابع نفتی کشور در طول عمر منابع مذکور می‌شود و باعث جلوگیری از اتلاف ذخایر در چرخه تولید نفت براساس سیاست‌های مصوب می‌گردد». در تعریف دیگری، درخشان (۱۳۹۳) بیان می‌کند که «از دیدگاه ما، تولید صیانتی در خلال عمر مخزن روندی از تولید است که هماهنگ با حداکثرسازی ارزش اقتصادی مخزن و رعایت منافع نسل فعلی و نسل‌های آینده باشد. بنابراین تولید صیانتی مفهومی پویاست، زیرا تولید فردای ما از مخازن نفتی تابعی از کمیت و کیفیت تولید امروز ما از همان مخازن است»^۱.

از تعاریف فوق‌الذکر روشن است که تمرکز اصلی مفهوم تولید صیانتی بر حداکثرسازی ارزش اقتصادی منافع حاصل از یک مخزن در طول عمر آن می‌باشد. بدیهی است توجه بیشتر به تولید صیانتی در برداشت از منابع فسیلی، نسل‌های آینده را در استفاده از این منابع، بیش از پیش منتفع می‌نماید. از این‌رو، تولید صیانتی از مخازن نفت و گاز در یک رویکرد عقلایی و منطقی، ضروری و مورد تأکید است، خواه میدان مورد نظر مستقل باشد و خواه مشترک، تصور بهره‌برداری خودسرانه و به دور از اصول و موازین فنی تولید صیانتی در دنیای کنونی به دور از انصاف، منطقی و عقل است. توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد انرژی‌های فسیلی و قابلیت‌های فراوان این دسته از انرژی‌ها، لزوم تمرکز بر تولید صیانتی را بیش از پیش متبلور می‌سازد.

در حوزه مخازن مشترک، موضوع صیانت در نحوه برداشت از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است. برداشت مستقل هر یک از کشورها با هدف تولید بیشتر در بازه زمانی کوتاه و در یک فضای رقابتی و غیرصیانتی، صرفاً تبعات منفی برای مخزن و لذا برای هر

۱. در هر دو تعریف، واژه «نفت» به معنای نفت و گاز به کار رفته است.

دو کشور به همراه خواهد داشت. طبعاً برای توسعه صحیح مخزن و تولید صیانتی از آن، باید مخزن به لحاظ فنی و از منظر مدیریت بهینه، تحت مدیریت واحدی قرار گیرد که این امر با رقابت همسایگان در برداشت بیشتر از بخش اختصاصی خود سازگار نیست. لذا برای اینکه بتوان یک مخزن مشترک را به نحو کارآمد و مؤثری توسعه داد، بایستی یک طرح کلان برای توسعه آن طراحی کرد.

افزایش غیر اصولی تولید از مخازن نفتی، با تولید صیانتی منافات داشته و در نتیجه باعث هرزروی میزان قابل ملاحظه‌ای از نفت درجا و لذا غیر قابل تولید شدن آن می‌شود. این موضوع برای مخازن گازی کشور که اکثراً از نوع گاز میعانی می‌باشد بسیار حادثر خواهد بود زیرا افت شدید فشار مخزن و افت زود هنگام فشار آن به زیر نقطه شبنم^۱، سبب هرزروی اجزای با ارزش موجود در گاز، به صورت قطرات پراکنده و غیر قابل استحصال شدن آن و در نتیجه کاهش میزان میعانات قابل استحصال خواهد شد (سجادیان، ۱۳۹۱). رعایت ضوابط تولید صیانتی از مخازن گازی کشور نظیر پارس جنوبی که حجم قابل ملاحظه‌ای میعانات گازی دارند بایستی در اولویت باشد. با استمرار تولید از این مخازن، فشار آنها می‌تواند به قدری کاهش یابد که با رسیدن به زیر نقطه شبنم درصد قابل ملاحظه‌ای از کندانسه^۲ موجود در مخزن غیرقابل استحصال شود. با توجه به حجم عظیم «گاز درجای اولیه»^۳ در پارس جنوبی، اجرا نکردن برنامه‌های تولید صیانتی در این مخزن موجب از دست رفتن حجم قابل ملاحظه‌ای از کندانسه خواهد شد که برای ذخایر هیدروکربور مایع کشور خسارات جبران‌ناپذیری محسوب می‌شود. بدیهی است تدوین و اجرای هر برنامه‌ای در این زمینه، مستلزم مشارکت قطر است چون منافع این کشور نیز در گرو تولید صیانتی از این میدان است. رقابت در بالابردن سطح تولید باید به سرعت جای خود را به همکاری در مدیریت این مخزن عظیم گازی بدهد تا بتوان با اتخاذ روشهایی

1. Dew Point

۲. Condensate، شایان ذکر است کندانسه، هیدروکربنی است که در فشار مخزن به صورت گاز و در فشار محیط به صورت مایع در می‌آید. این هیدروکربن مایع در مقایسه با نفت خام، به علت قابلیت تبدیل کم هزینه به فرآورده‌های سبک، در بازارهای جهانی با قیمتی بیش از نفت خام معامله می‌گردد.

3. IGIP or OGIP: Initial Gas in Place or Original Gas in Place

کاربرد الگوی عقلایی در تصمیم‌گیری‌های راهبردی برای تولید صیانتی از میدان مشترک پارس جنوبی ... ۱۴۳

همچون بازگردانی گاز به مخزن بعد از استحصال کندانسه، به تولید صیانتی دست یافت (درخشان، ۱۳۸۹).

متأسفانه دیدگاه غالب در هر دو کشور ایران و قطر آن است که علی‌رغم این حقیقت که نفت و گاز میراثی است که باید برای آیندگان حفظ نمود، اقدام مطلوب در این میدان مشترک، افزایش سهم تولید هر کشور است تا کشور دیگر بیش از حق خود از منابع موجود برداشت ننماید. همانطور که مشخص شد تولید غیرصیانتی و مبتنی بر رقابت خودسرانه از میدان مشترک پارس جنوبی ممکن است در کوتاه‌مدت متضمن بهره‌مندی اقتصادی طرفین به نسبت‌های نامتعادل باشد اما در بلندمدت منافع هر دو طرف را تضییع خواهد نمود. با توجه به حجم زیاد کندانسه در این مخزن و قیمت بالاتر کندانسه نسبت به نفت خام، اعمال سیاست‌های تولید غیرصیانتی از این میدان مشترک خسارات سنگینی به دنبال خواهد داشت. اهمیت این موضوع زمانی دوچندان می‌شود که دو کشور به منافع نسلهای آینده خود توجه داشته و در پاسداشت حقوق آیندگان نیز تلاش نمایند.

۳- راهبردهای متعارف بهره‌برداری از میادین مشترک در معاهدات بین‌المللی

میادین نفت و گاز متعددی در سراسر جهان به صورت مشترک وجود دارد و چگونگی بهره‌برداری از این میادین جزء دغدغه‌های اصلی کشورهای همسایه است، به نحوی که این موضوع، توافق کشورها بر تحدید حدود مناطق مرزی مورد نزاع را پیچیده‌تر می‌کند (شیروی، ۱۳۹۳). گاهی در هنگام تحدید حدود بین کشورها، دو کشور با عقد موافقتنامه‌هایی متعهد می‌شوند که در خصوص بهره‌برداری از میادین مشترک همکاری نمایند. در این معاهدات، معمولاً طرفین مقرر می‌نمایند که بهره‌برداری از میادین مشترک باید از طریق «توافقات بعدی» انجام شود. به بیان دیگر، کشورهای ذینفع متعهد می‌شوند که پیش از آغاز عملیات توسعه و بهره‌برداری از میدان مشترک، موافقت طرف مقابل را اخذ نموده و طی برنامه‌ای مشخص، اقدام نمایند. البته کشورهای ذینفع در میدان مشترک که اقدام به انعقاد این نوع از موافقتنامه‌ها می‌نمایند، چنانچه الزامی در متن موافقتنامه قید نشده باشد، لزومی به اخذ توافق طرف مقابل برای آغاز عملیات بهره‌برداری از میدان مشترک نخواهند داشت. در موافقتنامه تحدید حدود فلات قاره در دریای شمال بین انگلستان و

نروژ (۱۹۶۵) به لزوم توافق دو کشور نسبت به شیوه مؤثر بهره‌برداری از مخازن نفتی احتمالی تأکید شده است.

برخی سازمانهای بین‌المللی برای رفع مشکل توسعه میادین مشترک، توصیه‌نامه‌هایی در قالب معاهده یا توافقنامه ارائه نموده‌اند که مدلهای متفاوتی دارد. کاشانی (۱۳۸۷) در پژوهشی، پس از مطالعه مدلهای مختلف این قبیل معاهدات که در سطح جهانی و بین دو یا چند کشور منعقد شده است، آنها را دسته‌بندی نموده و به تحلیل و بررسی آنها پرداخته است. در این خصوص معاهدات مختلفی به شرح زیر مطرح گردیده است.

۳-۱- موافقتنامه‌های متضمن واگذاری بهره‌برداری به یک کشور

در این نوع از موافقتنامه‌ها، بهره‌برداری از مخازن واقع در یک منطقه اختلافی از سوی کشورهای مشترک‌المنافع در میدان مشترک به یک کشور واگذار می‌شود و دولت‌های دیگر در درآمد حاصله پس از کسر هزینه‌ها، شریک و سهم می‌شوند. «این روش به مرور و ظاهراً به خاطر لطمه غیرقابل قبول به حاکمیت دولتی که حقوق حاکمه او توسط دولت دیگر اداره می‌شود، غیر قابل استفاده ماند. ... این نگرانی البته چندان موجه نیست ولی عملاً باعث مسدود شدن یکی از راههای همکاری دو یا چند جانبه برای بهره‌برداری از منبع مشترک شده است»^۱. خاطر نشان می‌شود موافقتنامه بین عربستان سعودی و بحرین (۱۹۵۸) در این دسته از راهبردها قرار دارد.

۳-۲- موافقتنامه‌های متضمن مشارکت دو کشور در بهره‌برداری از منبع مشترک

این موافقتنامه یک گزینه رایج برای بهره‌برداری اشتراکی از مناطق مورد اختلاف است و متضمن یک موافقتنامه دایر بر ایجاد یک نظام مشارکت اجباری بین دولتهای ذی‌نفع و اتباع آنها یا سایر شرکتهای نفتی مصوب در مناطق بهره‌برداری مشترک می‌باشد (کاشانی، ۱۳۸۷). شیروی (۱۳۹۳) از این نوع موافقتنامه‌ها با عنوان «قراردادهای نفتی توسعه مشترک» یاد می‌کند و آنها را قراردادهایی می‌داند که بین دو کشور منعقد شده و به موجب آن، دو

کاربرد الگوی عقلایی در تصمیم‌گیری‌های راهبردی برای تولید صیانتی از میدان مشترک پارس جنوبی ... ۱۴۵

کشور توافق می‌نمایند مخزنی را که به آن دو تعلق دارد به صورت مشترک توسعه داده و از آن بهره‌برداری کنند. به عنوان نمونه در موافقتنامه منعقد شده بین ژاپن و کره جنوبی (۱۹۷۴) طرفین توافق نمودند که اکتشاف و استخراج از مخازن مشترک، از طریق انعقاد قراردادهای توسعه مشترک انجام پذیرد.

۳-۳- موافقتنامه‌های بهره‌برداری با ایجاد نهاد مشترک

این موافقتنامه با ایجاد یک نهاد مشترک نظیر کمیسیون مشترک^۱، مقام مشترک^۲ یا شرکت مشترک^۳ شکل می‌گیرد. از این رو توافقی بین دولتهای مورد نظر برای ایجاد نهاد مشترک و چارچوب‌های قانونی و الزام‌آور برای مدیریت بهره‌برداری از منطقه تعیین شده، طراحی می‌گردد. کاشانی (۱۳۸۷) در دفاع از این راهبرد بیان می‌کند که «چنین نهاد مشترکی برخلاف واحدهای نوع مشورتی و ضعیف که تحت مدیریت طرفین با موافقتنامه‌های سازنده مدل دوم^۴ تشکیل می‌شوند به عنوان نهادهای قوی با نظارت انحصاری و اختیار تصمیم‌سازی و کارکردهای وسیع توصیف و تشریح شده‌اند». موافقتنامه فیما بین تایلند و مالزی (۱۹۷۹) و همچنین جامائیکا و کلمبیا (۱۹۹۳) از این دسته‌اند.

۳-۴- موافقتنامه‌های یکپارچه^۵

در این نوع موافقتنامه، هر یک از کشورها به اشخاص حقوقی یا شرکتهای مرتبط مورد نظر خود مجوز بهره‌برداری اعطاء می‌کنند و آن اشخاص یا شرکتهای موظفند از طریق انعقاد یک قرارداد عملیاتی واحد، نسبت به بهره‌برداری از میدان مشترک با کشور همسایه اقدام کنند. یکپارچه‌سازی عملیات بهره‌برداری، مستلزم دو سطح از توافقات است. در سطح اول، کشورها توافق می‌کنند که میادین مشترک به این روش توسعه داده شود و چارچوب قرارداد عملیاتی واحد را مشخص می‌کنند. در سطح دوم، صاحبان امتیاز و پیمانکاران منتخب نسبت به انعقاد یک قرارداد عملیاتی واحد اقدام می‌کنند (باستیدا و همکاران^۶،

1. Joint Commission
2. Joint Authority
3. Joint Cooperation

۴. منظور از مدل دوم، موافقتنامه‌های متضمن مشارکت دو کشور در بهره‌برداری از منبع مشترک می‌باشد.

- 5 Unitization
6. Bastida *et al.*

۲۰۰۷). معاهده دریای تیمور (۲۰۰۲) بین استرالیا و تیمور حاوی قواعد این نوع موافقتنامه‌ها در خصوص چگونگی توسعه و بهره‌برداری از میادین مشترک آن منطقه می‌باشد. کاشانی (۱۳۸۷) در دفاع از تمامی معاهدات مذکور به عنوان راهبردهای مناسب برای بهره‌برداری از مخازن مشترک معتقد است که «شایسته است دولت ایران با یک دیپلماسی سنجیده و صبورانه باب گفتگو را برای تنظیم توافقنامه‌های توسعه مخازن مشترک با همسایگان بگشاید» اما در ادامه اظهار نظر می‌کند که «تا زمانی که موافقتنامه‌هایی برای توسعه مخازن نفت و گاز مشترک با همسایگان امضاء نشده است، دولت ایران باید ثقل فعالیت‌های توسعه و اکتشاف خود را بر روی مخازن مشترک موجود و احتمالی آنی بگذارد.» آل آفا (۱۳۹۱) نیز معتقد است «در حالی که در مناطقی مانند دریای شمال و خلیج مکزیک، تولید از مخازن مشترک بر اساس توافقات مشخص و یا طرح‌های تحت مدیریت مشترک صورت می‌گیرد، در حوزه خلیج فارس و دیگر مناطق نفت‌خیز در کشورهای در حال توسعه، بهره‌برداری از این گونه منابع، با تقابل انجام گرفته و معمولاً یکی از دو مالک متضرر می‌شود.»

از این موافقتنامه‌ها و معاهدات دوجانبه نتیجه گرفته می‌شود که اولاً، مسئله اکتشاف و بهره‌برداری از میادین مشترک به‌اندازه تحدید حدود برای کشورها اهمیت دارد و به این جهت معمولاً مقرراتی در مورد نحوه بهره‌برداری از این میادین در موافقتنامه‌های تحدید حدود گنجانده می‌شود. ثانیاً، زمانی که کشورها در مورد تحدید حدود به توافق نمی‌رسند، ممکن است به صورت موقت تا زمان تحدید حدود در بهره‌برداری از مخازن موجود در منطقه مورد اختلاف با هم توافق نمایند. ثالثاً، در این موافقتنامه‌ها بهره‌برداری مستقل کشورها از مخازن مشترک مردود اعلام شده است و لزوم همکاری و مشارکت طرفین در بهره‌برداری از آن مخازن، مورد توافق قرار گرفته است. رابعاً، شیوه بهره‌برداری مشترک در هر کدام از این موافقتنامه‌ها متفاوت است. برخی قائل به ایجاد نهاد مشترک جهت توسعه می‌باشند، در حالی که برخی دیگر بر توسعه مشترک تأکید دارند و در بعضی دیگر، یکپارچگی توسعه میدان مقرر شده است. (شیروی، ۱۳۹۳)

۴- امکان‌سنجی کاربرد راهبردهای متعارف بهره‌برداری از میداین مشترک در

میدان پارس جنوبی

در بررسی روابط ایران و قطر ملاحظه می‌شود که تنها یک بار طی ماده ۲ «موافقتنامه راجع به خط مرزی حدفاصل فلات قاره بین ایران و قطر»^۱ در خصوص بهره‌برداری از یک میدان مشترک سخن به میان آمده است. در این ماده قانونی تصریح شده است که: «هرگاه ساختمان زمین‌شناسی نفتی واحد یا میدان نفتی واحد یا هر ساختمان زمین‌شناسی واحد یا میدان واحدی از مواد معدنی دیگر به آن طرف خط مرزی مشخص در ماده ۱ این موافقتنامه امتداد یابد و آن قسمت از این ساختمان یا میدان را که در یک طرف خط مرزی واقع شده باشد بتوان کلاً یا جزئاً به وسیله حفاری انحرافی از طرف دیگر خط مرزی مورد بهره‌برداری قرار داد در این صورت: الف - در هیچ یک از دو طرف خط مرزی مشخص در ماده ۱ هیچ چاهی که بخش بهره‌ده آن کمتر از ۱۲۵ متر از خطر مرزی مزبور فاصله داشته باشد حفر نخواهد شد مگر آن که طرفین نسبت به آن توافق بنمایند. ب - طرفین کوشش خواهند کرد که نسبت به نحوه هماهنگ ساختن عملیات و یا وحدت آن در دو طرف خط مرزی توافق حاصل نمایند.» همانطور که از متن این توافقنامه مشاهده می‌شود به الزام دو کشور مبنی بر دستیابی به «توافقات بعدی» در بهره‌برداری از میداین مشترک اشاره‌ای نشده و از این حیث، اعتبار موافقتنامه منعقد را تا سطح زیادی کاهش داده است.^۲ به منظور سنجش راهبردهای فوق برای بهره‌مندی از آنها در راستای التزام دو کشور ایران و قطر به تولید صیانتی از میدان مشترک پارس جنوبی، نخست باید وضعیت دو کشور را در نحوه بهره‌برداری و استفاده از این میدان مورد بررسی و مقایسه قرار داد. در بهره‌برداری از این میدان مشترک، تفاوت‌های چشمگیری وجود دارد که برخی از مهمترین آنها به شرح زیر است:

الف- تفاوت در نحوه توسعه میدان: در حال حاضر، هر کدام از دو کشور ایران و قطر منطقه مربوط به خود را به فازهایی تقسیم نموده و در حال توسعه یا بهره‌برداری آنها هستند.

۱. این موافقتنامه در تاریخ ۱۳۴۸/۱۲/۲۱ به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است.

۲. پیشتر اشاره شد که دو کشور انگلستان و نروژ برخلاف ایران و قطر، به توافق بعدی در شیوه مؤثر بهره‌برداری تأکید داشته‌اند.

در طرف ایران، تمام فازهای میدان پارس جنوبی با «قراردادهای خدمت»^۱ توسعه یافته یا در دست توسعه می‌باشد. یکی از ویژگی‌های اصلی قراردادهای خدمت آن است که پیمانکاران پس از توسعه میدان و رسانیدن آن به تولید تجاری، عملیات بهره‌برداری را به کارفرما منتقل می‌نمایند. از این‌رو، در میدان پارس جنوبی، تمامی بخش‌هایی که در حال بهره‌برداری هستند، هم اکنون در اختیار کامل شرکت ملی نفت ایران و شرکت نفت و گاز پارس است. در مقابل، کشور قطر تمامی میداین نفت و گاز خود را به روش «قراردادهای مشارکت در تولید»^۲ واگذار می‌نماید. در این نوع از قراردادهای، شرکت نفتی که عملیات اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری را بر عهده دارد، هزینه‌ها و سود حاصل از عملیات را از طریق برداشت محصول با شرایط مندرج در قرارداد کارسازی می‌کند. از این‌رو شرکت نفتی پس از پایان عملیات توسعه و شروع تولید تجاری از میدان، تا زمان پایان قرارداد و دریافت سود و استهلاک هزینه‌های قابل جبران، در میدان حاضر است. بنابراین در طرف قطر، بخش زیادی از میدان کماکان در اختیار شرکتهای نفتی بین‌المللی^۳ می‌باشد.

ب- تفاوت سطوح توانمندی در طرفهای قرارداد: برای توسعه نخستین فازهای میدان پارس جنوبی، به علت فقدان تجربه کافی برای توسعه میداین دریایی از توان شرکت‌های نفتی بین‌المللی استفاده گردید. پس از آن، با افزایش سطح آشنایی کارشناسان و مهندسان ایرانی از یک سو و اعمال تحریمهای بین‌المللی که سرمایه‌گذاری شرکتهای نفتی بین‌المللی در میداین ایران را هدف قرار داد. از سوی دیگر، تمرکز اصلی توسعه فازهای پارس جنوبی بر مبنای حضور چشمگیر شرکتهای داخلی انجام شد.^۴

در مقابل، شاهد حضور گسترده شرکتهای نفتی بین‌المللی مطرح در بخشهای مختلف عملیات بالادستی و پایین دستی نفت و گاز در گنبد شمالی قطر هستیم. در بخش بالادستی

1. Service Contracts

2. PSCs: Production Sharing Contracts

3. IOCs: International Oil Companies

۴. باستناد گزارش رسمی شرکت نفت و گاز پارس، شرکتهای ایرانی از جمله پتروپارس، پتروسینا آریا، صدرا، مهندسی و ساختمان صنایع نفت، مهندسی و ساخت تأسیسات دریایی ایران و آریا نفت شهاب در این فازها به عنوان پیمانکار، عملیات توسعه این فازها را به عهده داشته اند. در رابطه با شرکتهای درجه دوم بین‌المللی، نام شرکت CNPC چین به طور رسمی در دسترس است.

کاربرد الگوی عقلایی در تصمیم‌گیری‌های راهبردی برای تولید صیانتی از میدان مشترک پارس جنوبی ... ۱۴۹

به غیر از میدان دوخان^۱، میدان محزام^۲ و میدان بول‌هنینه^۳ باقی میادین نفت و گاز قطر توسط شرکتهای معروف نفتی بین‌المللی و تحت قراردادهای مشارکت در تولید واگذار شده‌اند. اکسون موبیل، توتال، شل و میتسویی از آن دسته هستند. (والدز و دیگران، ۲۰۱۴)

پ- تفاوت در رویکردهای انعقاد قرارداد: نحوه انتخاب پیمانکاران برای توسعه فازهای میدان پارس جنوبی و انتخاب مشارکت‌کنندگان برای توسعه و بهره‌برداری از بخش‌های میدان گنبدشمالی نیز حائز اهمیت است. در انعقاد قراردادهای نفتی، دو رویکرد عمده وجود دارد. رویکرد اول، مبتنی بر مذاکره مستقیم با شرکت نفتی بین‌المللی است. به این صورت که شرکت نفتی یا کشور میزبان بر اساس اطلاعات موجود و به صورت مستقیم با هم وارد مذاکره می‌شوند و پیشنهادهای خود را ارائه می‌دهند. طبعاً اتخاذ این رویکرد مزایا و معایبی دارد. صرفه‌جویی در زمان انتخاب عامل و انتقال عملیات اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری به شرکتهای معتبر، کاردان و حائز شرایط به عنوان مزایای این رویکرد شناخته می‌شود. از سوی دیگر، عدم رقابت در جهت افزایش سهم کشور میزبان در یک فضای رقابتی و همچنین عدم شفافیت در انعقاد قراردادها و بروز فسادهای احتمالی از معایب آن است.

رویکرد دوم، برگزاری مناقصه- مزایده است. با توجه به اینکه این رویکرد که در قراردادهای امتیازی بر مبنای مزایده انجام می‌شود و در قراردادهای مشارکت در تولید و خدمات بر مبنای مناقصه، از عبارت ترکیبی مناقصه- مزایده برای آن استفاده می‌کنیم. این رویکرد را می‌توان به دو رویکرد متفاوت تقسیم کرد: رویکرد رقابتی و رویکرد صلاحیدیدی (کاظمی‌نجف آبادی، ۱۳۹۳). در رویکرد رقابتی، شفافیت در انعقاد قراردادها و انتخاب بهترین پیشنهاد از میان پیشنهادهای دریافتی از نقاط قوت آن محسوب می‌شود. البته در انتخاب بهترین پیشنهاد نباید صرفاً به جنبه‌های مالی پیشنهاد شرکت نفتی توجه نمود، بلکه پیشنهادهای باید از تمامی جوانب نظیر توان فنی، مورد بررسی قرار گیرند. صرف زمان زیاد و فرایند اداری طولانی برای انتخاب عامل نیز نقطه ضعف این رویکرد محسوب می‌شود. همچنین نباید فراموش کرد که در این رویکرد علی‌رغم اجرای دقیق فرایند مناقصه- مزایده و انتخاب نهایی عامل، ممکن است کشور صاحب مخزن با شرکت یا شرکتهایی مواجه شود که تخصص فنی کافی در اجرای عملیات نداشته باشند.

-
1. Dukhan Field
 2. Mahzam Filed
 3. Bul Hanine Field

در رویکرد صلاح‌دید، نهاد برگزارکننده مناقصه - مزایده اعلان عمومی نمی‌کند، بلکه با توجه به شرایطی که مدنظر دارد شرکتهای مناسب کار خود را انتخاب کرده و با درمیان گذاشتن شرایط خود، پیشنهادات را دریافت و با بررسی آنها، بهترین و متناسب‌ترین را برای کار خود انتخاب می‌کند. طبعاً ممکن است شرکت انتخاب شده، ارائه‌کننده بهترین پیشنهاد نباشد، در اینجا نهاد مسئول^۱ به صلاح‌دید خود عمل می‌کند. (کاظمی‌نجف‌آبادی، ۱۳۹۳)

بررسی عملکرد کشور نشان می‌دهد که برای انتخاب پیمانکار به منظور توسعه میدان پارس جنوبی عموماً از رویکرد مناقصه - مزایده رقابتی استفاده شده است. فرایند اداری طولانی در انتخاب پیمانکار توسط ایران، منجر به تصویب قوانینی برای حذف فازهای میدان پارس جنوبی از قانون برگزاری مناقصات شده است.^۲ با وجود این، شواهد حاکی از آن است که کماکان فرایند انتخاب پیمانکار و انعقاد قرارداد، از روند طولانی و کندی تبعیت می‌نماید. در مقابل، کشور قطر از رویکردهای مذاکره مستقیم یا رویکرد مناقصه - مزایده صلاح‌دید استفاده می‌کند. این کشور در سال ۱۹۷۴ با تصویب «قانون تأسیس شرکت نفت عمومی قطر» اختیارات گسترده‌ای را به این شرکت نفتی واگذار نموده است. طی ماده ۴ این قانون که در سال ۱۹۸۸ مورد اصلاح قرار گرفته است، تمامی عملیات نفت و گاز در کشور قطر از جمله اکتشاف، توسعه، بهره‌برداری از میداین، صرفاً توسط این شرکت و از طریق مذاکره با شرکتهای نفتی و انعقاد قراردادهای نفتی صورت می‌پذیرد.

ت- تفاوت در نگرش دو کشور به استفاده از محصولات میدان: در حالی که ایران به شدت به گاز طبیعی حاصل از این میدان برای استفاده داخلی نیاز دارد، قطر بخش عمده‌ای از گاز طبیعی خود را به صورت LNG^۳ یا از طریق خطوط لوله صادر می‌کند. قطر دومین صادرکننده بزرگ گاز جهان است. تقریباً ۸۰ درصد گاز قطر از طریق LNG صادر

۱. این نوع از رویکرد مستلزم داشتن شرکت ملی یا دولتی نفت یا تعریف یک سازمان اداری جهت برگزاری مناقصه - مزایده در کشور میزبان است.

۲. به عنوان نمونه در تاریخ‌های ۱۳۷۶/۷/۹ و ۱۳۷۶/۱۱/۵، لایحه استئنا نمودن فازهای ۲ و ۳ و همچنین فاز ۱ پارس جنوبی از انجام مناقصه توسط مجلس شورای اسلامی تصویب شد.

3. Liquefied Natural Gas

کاربرد الگوی عقلایی در تصمیم‌گیری‌های راهبردی برای تولید صیانتی از میدان مشترک پارس جنوبی ... ۱۵۱

می‌شود.^۱ این صادرات معرف بیش از ۲۵ درصد تجارت جهانی LNG است. قطر از طریق خط لوله به عمان و امارات نیز گاز صادر می‌کند که یکی از بزرگترین خطوط لوله در خلیج فارس محسوب می‌شود. در حال حاضر قطر ۲ میلیارد پای مکعب در روز گاز صادر می‌کند که این میزان با توجه به ظرفیت‌های موجود تا ۳/۲ میلیارد پای مکعب در روز نیز امکان افزایش دارد. این کشور همچنین از میعانات گازی حاصل از میدان گنبد شمالی، بهره‌فرآوانی می‌برد. بر اساس گزارش وزارت انرژی و صنعت قطر، ذخایر میعانات گازی این کشور بیش از ۲۲ میلیارد بشکه است (والدز و دیگران، ۲۰۱۴).

البته قطر چاره‌ای جز اتخاذ این نوع سیاست‌های تهاجمی در استخراج و صادرات گاز طبیعی ندارد. در مقابل، ایران از ویژگی حائز اهمیت در استفاده از گاز برخوردار است. ایران با برنامه‌ریزی دقیق در استفاده از گاز طبیعی حاصل از میدان پارس جنوبی می‌تواند ضمن تزریق گاز به میداین نفتی و ازدیاد برداشت حاصل از تزریق، از منافع اقتصادی سرشاری بهره‌مند گردد. درخشان (۱۳۸۹) پس از بیان نتایج مطالعه انجام شده در این زمینه بیان می‌کند «بازدهی اقتصادی برنامه‌های تزریق گاز به میداین نفتی در مقایسه با صادرات گاز طبیعی بیش از چهار برابر است، ضمن آنکه اصل گاز تزریقی را نیز از دست نداده‌ایم». قطعاً کشور قطر از چنین ویژگی مهمی برای استفاده از گاز طبیعی میدان پارس جنوبی بهره‌مند نبوده و چاره‌ای جز صادرات این محصول، حتی با قیمت‌های پایین ندارد. قطر با جمعیتی کمتر از یک میلیون نفر و ذخایر ارزی کافی، قادر است برنامه‌های تولید LNG خود را چنان مدیریت کند که با تأثیرگذاری بر روند قیمت LNG، حجم سرمایه‌گذاری در تولید گاز طبیعی و LNG در سایر کشورها را تحت تأثیر قرار دهد (درخشان، ۱۳۹۱). پس از بیان تفاوت‌های اساسی دو کشور از منظر بهره‌برداری از میدان مشترک پارس جنوبی، اکنون می‌توان پی برد که کدام کشور در پذیرش راهبردهای متعارف بهره‌برداری از میداین مشترک، دست‌بالا دارد. ایران ظرفیت‌های متنوع‌تری برای مصرف و ذخیره‌سازی گاز در اختیار دارد^۲ اما با توجه به موضوع این مقاله که به طور خاص بر تولید

۱. عاطفه تکلیف (۱۳۹۲)

۲. برای آشنایی بیشتر با این ظرفیت‌ها و شناسایی راهبردهای بهینه در بهره‌مندی از گاز در ایران به درخشان (۱۳۹۱): «امنیت انرژی و تحولات آینده بازارهای نفت و گاز» و درخشان (۱۳۸۹): «ملاحظات استراتژیک در تدوین سیاستگذاری‌های بالادستی نفت و گاز کشور» مراجعه کنید.

گاز از این میدان تمرکز دارد و همچنین با عنایت به تفاوت‌های مطروحه، باید گفت که قطر، هم به لحاظ سهم ذخایری که از این میدان مشترک دارد و هم به لحاظ حجم تولید و پیشرفت در عملیات توسعه میدان، دست‌بالا تری نسبت به ایران دارد. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که برای بررسی هر یک از راهبردهای توسعه میادین مشترک، تأمین نظر قطر در پذیرش آنها باید در اولویت قرار گیرد.

در بررسی این راهبردها به طور دقیق، همواره باید به این سؤال اساسی پاسخ داد که با توجه به شرایط موجود و موقعیت و امتیازات ویژه میدان مشترک پارس جنوبی، چرا باید این دو کشور خصوصاً قطر به علت داشتن دست‌بالا در انتخاب راهبردها، اقدام به پذیرش یکی از انواع راهبردها نمایند؟ با توجه به شرایط قطر به لحاظ امکانات، تجهیزات، دانش فنی و سرمایه شرکت‌های نفتی بین‌المللی و با عنایت به اینکه قطر در حال حاضر توسعه حداکثری میدان گنبد شمالی را در دستور کار خود دارد لذا در مذاکرات فرضی، پذیرش توافق از سوی قطر طبعاً باید متضمن شرایطی باشد که طی آن، کشور قطر نه تنها از وضعیت فعلی خود تنزل نیابد، بلکه چشم‌اندازهای توسعه‌ای خود را حداقل در حد اهداف فعلی حفظ نماید. اهدافی که در حال حاضر، بر اساس بهره‌برداری انفرادی از میدان برای خود طراحی نموده است.

قطر در برنامه شش ساله اول توسعه ملی خود (۲۰۱۱-۲۰۱۶) پیش‌بینی نموده که توسعه میدان گنبد شمالی را تا پایان سال ۲۰۱۵ بطور کامل تکمیل خواهد نمود و از طریق حصول اهداف این برنامه، نوعی دگرگونی اساسی و چشمگیر در اقتصاد خود به وجود خواهد آورد. در این صورت، موقعیت ایران برای بهره‌مندی از میدان پارس جنوبی با مخاطرات قابل توجهی مواجه می‌گردد. به عنوان مثال، فرض کنید براساس توافقنامه‌ای، مقرر گردد سهم ایران از محصولات میدان، نقداً^۱ و یا به صورت محصول^۲ و یا ترکیبی از آنها دریافت گردد. اصلی‌ترین محصول در این میدان، گاز طبیعی است که وابستگی شدید ایران به مصرف داخلی آن در بخش‌های صنعتی، خانگی، کشاورزی، تجاری، عمومی و حمل و نقل، این کالا را برای کشور ما تبدیل به یک کالای استراتژیک نموده است. اهمیت پارس جنوبی و ضرورت توسعه آن برای ایران و ارزش این گاز در صورت توسعه نهایی میدان،

1. In Cash

2. In Kind

کاربرد الگوی عقلایی در تصمیم‌گیری‌های راهبردی برای تولید صیانتی از میدان مشترک پارس جنوبی ... ۱۵۳

سالانه برای کشور حدود ۱۲۷ میلیارد دلار به ازای نفت بشکه‌ای ۶۰ دلار خواهد بود^۱ (جوادی، ۱۳۹۳). عدم دسترسی به گاز طبیعی حتی برای چند لحظه در کشور، می‌تواند لطمات جبران‌ناپذیری از جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به همراه داشته باشد. برای توضیح این موضوع، همین بس که بدانیم سهم نیروگاه‌های حرارتی از تولید برق کل کشور ۹۲ درصد می‌باشد که تأمین سوخت قریب به ۶۰ درصد این نیروگاه‌ها از طریق گاز طبیعی انجام می‌گیرد و نبود گاز طبیعی، می‌تواند با خاموشی حدود نیمی از کشور همراه شود. لذا ایران نمی‌تواند صرفاً به پشتوانه یک توافقنامه، حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود را در دستان کشوری قرار دهد که به لحاظ سیاسی، از ریسک بالایی برخوردار است.

چنانچه نهادهای ثالث نظیر شرکت‌های نفتی بین‌المللی اجازه تصمیم‌گیری در سیاستگذاری و مدیریت میدان مشترک پارس جنوبی - گنبد شمالی را داشته باشند، اولاً به هیچ عنوان نمی‌توان از رعایت کامل حقوق حاکمیتی و مالکیتی هر دو کشور مطمئن بود و ثانیاً، امکان عملکرد نامطلوب آنها در شرایطی خاص، با بهانه‌های متفاوت و دلایل مختلف کاملاً وجود خواهد داشت.

به کارگیری راهبرد «موافقتنامه‌های یکپارچه» نیز تقریباً غیرممکن است. همانطور که بیان شد، توانمندی شرکتهای نفتی فعال در میدان گنبد شمالی به لحاظ دانش فنی و سرمایه‌گذاری لازم در توسعه و بهره‌برداری از میدان نسبت به طرف ایرانی از سطوح بالاتری برخوردار است. چنانچه شرکتهای نفتی مورد تأیید در ایران و قطر در شرایط کاملاً نامساوی، اقدام به انعقاد قرارداد عملیاتی واحد نمایند، آنگاه تفاوت سطوح توانمندی طرفین منجر به عدم توانایی طرف ایرانی نسبت به انجام تعهدات قرارداد عملیاتی واحد در برهه‌های مختلف می‌شود که عمده دلایل آن به علت کمبود امکانات سرمایه‌ای یا فنی است. البته بروز این مسائل در صورتی است که دو کشور علی‌رغم وجود تفاوت‌های فوق‌الذکر، در ابتدا با توسعه میدان به این روش توافق نمایند. بنابراین، به کارگیری راهبردهای مذکور، با شرایط فعلی دو کشور و ویژگیهای این میدان فوق‌عظیم و مشترک، به هیچ وجه توجیه پذیر نیست.

۱. منظور از توسعه نهایی میدان، توسعه تمامی فازهای آن می‌باشد.

۵- الگوی عقلانی در تصمیم‌گیری: زمینه‌ساز پایداری ایران و قطر به تولید صیانتی از میدان مشترک پارس جنوبی

همانطور که بیان شد راهبردهای مذکور، به دلایل متعدد نمی‌تواند زمینه‌ساز توافق دو کشور ایران و قطر در بهره‌برداری از این میدان مشترک باشد. «این در حالی است که طی زمان، تولید غیرصیانتی از این میدان، لطمات جبران‌ناپذیری به دو کشور وارد می‌کند و ادامه شرایط فعلی به‌صرفه و صلاح هیچ یک از دو کشور نیست. در صورتی که فرایند تولید از میدان پارس جنوبی شتاب بگیرد و فشار مخزن از نقطه شبنم کمتر شود، مخزن اصطلاحاً وارد فاز «ریترو‌گرید»^۱ شده و احتمالاً حدود ۳۰ درصد از کندانسه قابل استحصال از مخزن از دست خواهد رفت» (درخشان، ۱۳۹۱). به کارگیری هرگونه روشی برای همگرایی دو کشور ایران و قطر، باید مبتنی بر اصلی باشد که بتواند دو کشور را نسبت به این خسارت بزرگ آگاه کند. حلقه مفقوده در این زمینه، در واقع ضرورت توجه به تولید صیانتی از میدان مشترک پارس جنوبی است. در یک فضای عقلایی، دو کشور ایران و قطر با لحاظ ضوابط فنی تولید صیانتی، منافع اقتصادی بیشتری در بلندمدت کسب خواهند نمود که منطقیاً بر کسب منافع اقتصادی به شیوه شتابزده و رقابتی در کوتاه‌مدت، ترجیح خواهد داشت. در این مقاله، از چارچوب الگوی عقلایی در تصمیم‌گیری، برای تشریح این فضای عقلایی استفاده شده تا زمینه‌ساز پایداری ایران و قطر به تولید صیانتی باشد.

تاکنون تعاریف متنوع و زیادی از «تصمیم‌گیری» ارائه شده است. وجه اشتراک غالب این تعاریف آن است که تصمیم، بر انتخاب فرد، گروه، سازمان یا نهاد دلالت دارد و این انتخاب از بین گزینه‌های موجود که ممکن است محدود و یا نامحدود باشند، انجام می‌گیرد. الگوی عقلایی در تصمیم‌گیری براساس این اصل به وجود آمده است که تصمیم‌گیرنده به عنوان یک موجود اقتصادی و برخوردار از تعقل در محیطی که برای وی کاملاً مشخص و معلوم است به مطلوب‌ترین انتخاب‌ها دست می‌زند. مطلوب‌ترین انتخاب از دیدگاه تصمیم‌گیرنده، مترادف با توفیق در دستیابی کامل به هدف و یا نیل به بیشترین نتیجه مطلوب مورد نظر است. چنین انتخاب یا تصمیمی فقط در صورت تأمین شرایط زیر ممکن است:

1. Retrograde

کاربرد الگوی عقلایی در تصمیم‌گیری‌های راهبردی برای تولید صیانتی از میدان مشترک پارس جنوبی ... ۱۵۵

الف) تصمیم‌گیری در شرایط اطمینان کامل انجام گیرد.

ب) تصمیم‌گیرنده نه تنها اطلاعات را به طور جامع و کامل در اختیار داشته باشد، بلکه از توانایی لازم برای استفاده از این اطلاعات نیز برخوردار باشد.

پ) معیارهای انتخاب، روشن بوده و تصمیم‌گیرنده دارای یک سیستم رجحان منطقی باشد تا بتواند با نظم بخشیدن به ارزش‌های خود، گزینه‌های مختلف را ارزشگذاری و طبقه‌بندی کند.

ت) تصمیم‌گیرنده باید بتواند نتایج مرتبط با هر گزینه را [از لحاظ اقتصادی یا سایر ارزش‌ها] محاسبه و با دیگر گزینه‌ها مقایسه کند. همچنین در انتخاب روش از آزادی عمل کامل برخوردار باشد.

در چارچوب این مفروضات، تصمیم‌گیرنده اقتصادی قادر خواهد بود گزینه‌ای را انتخاب کند که بیشترین ارزش را به لحاظ اقتصادی برای او به همراه داشته باشد. (استونر و دیگران، ۱۹۹۵)

چارچوب الگوی عقلایی در تصمیم‌گیری در صورت تأمین شرایط و مفروضات آن، فضای مناسبی برای تحلیل رفتار انفرادی دو کشور ایران و قطر در یک شرایط عقلایی است. برای اینکه هر دو کشور که در این چارچوب به عنوان «تصمیم‌گیرنده» از آنها یاد می‌شود، عقلانیت را مبنای تصمیمات خود قرار دهند لازم است شرایط و مفروضات الگوی عقلایی در تصمیم‌گیری آنها تأمین شود. بخشی از شرایط و مفروضات الگوی عقلایی در تصمیم‌گیری در حال حاضر فراهم است. در فرض الف در خصوص تصمیم‌گیری در شرایط اطمینان کامل، نخست باید به این نکته توجه کرد که آیا مهندسان و مسئولان صنعت نفت دو کشور آگاهی کاملی از شیوه‌های تولید صیانتی از میدان را دارند و آیا قصد جدی دارند که خسارت‌های حاصل از عدم توجه به موازین تولید صیانتی از این میدان را محاسبه نمایند؟ پاسخ به این سؤالات مستلزم آگاهی کافی نسبت به ارزش اقتصادی مخزن است. ارزش اقتصادی یک مخزن تابع دو متغیر قیمت منابع هیدروکربنی موجود در آن و حجم تولید صیانتی در هر مقطع زمانی است و لذا می‌توان آنرا به صورت حاصلضرب روند قیمت منابع هیدروکربنی در روند تولید صیانتی از مخزن در خلال عمر مخزن تعریف کرد. تولید صیانتی تابعی از شرایط مخزن است و براساس موازین فنی-مهندسی و مدیریت بهینه مخزن تعیین می‌شود در حالی که قیمت منابع هیدروکربنی تابعی

از شرایط حاکم بر بازار جهانی آن می‌باشد (درخشان، ۱۳۹۳). بنابراین با توجه به اینکه ارزش اقتصادی یک مخزن تابعی از محاسبه قیمت‌های آتی منابع هیدروکربنی است و پیش‌بینی این قیمت‌ها عملاً بسیار مشکل است، لذا در نگاه نخست می‌توان بیان داشت که فرض الف رد می‌شود. با این حال، باید به این نکته توجه نمود که چند عامل مهم برای تأیید این فرض در میدان مشترک پارس جنوبی به شرح ذیل قابل طرح است:

اول، با توجه به آنچه در مقدمه این مقاله بیان شد، در میان مدت و بلندمدت، مصرف گاز طبیعی از نفت خام پیشی می‌گیرد و تقاضای آن روند صعودی خواهد داشت. بنابراین محدودیت منابع گازی، می‌تواند نوید افزایش قیمت‌های آتی گاز طبیعی را برای دو کشور ایران و قطر به همراه داشته باشد. دوم، عدم توجه به موازین فنی تولید صیانتی در میدان مشترک پارس جنوبی با توجه به ویژگی‌های این مخزن، منجر به از دست رفتن حجم زیادی از میعانات گازی می‌شود که عدم‌النفع آن با قیمت‌های جهانی بالای این محصول، بسیار چشمگیر است. سوم، توجه به موازین تولید صیانتی و افزایش ضریب بازیافت از میدان مذکور در طول زمان منجر به ایجاد و ظهور ظرفیت‌های اقتصادی جدیدی برای دو کشور می‌شود. از آن جمله می‌توان به ظرفیت تزریق گاز به مخازن نفتی برای ازدیاد برداشت از این مخازن برای کشور ایران و بازاریابی مناسب صادرات گاز طبیعی برای قطر اشاره نمود.^۱ بنابراین می‌توان این فرض را پذیرفت که دو کشور نسبت به عواید تولید صیانتی اطمینان کامل دارند.

در خصوص فروض ب و ت فوق‌الذکر نیز خاطر نشان می‌شود اطلاعات مربوط به لزوم تولید صیانتی از میدان در اختیار هر دو کشور بوده و می‌تواند نتایج مرتبط با شیوه‌های تولید صیانتی را به لحاظ آسیب‌پذیری کمتر مخزن با سایر روشها مقایسه کنند. لذا در صورت پایبندی به الزامات تولید صیانتی، هر دو کشور از توانایی لازم جهت کنترل سطح بهینه تولید به لحاظ فنی برخوردارند. حفظ فشار مخزن در سطحی مناسب قطعاً بر تولید رقابتی و آسیب مخزن مرجح است لذا رجحان منطقی تصمیم‌گیرندگان که اساس فرض پ فوق‌الذکر است نیز برای طرفین پذیرفته شده است.

۱. به عنوان مثال، چنانچه قطر از توسعه شیل‌های گازی آمریکا و به تبع آن کاهش قیمت LNG صادراتی این کشور به آمریکا مطلع بود، در ازای سرمایه‌گذاری گسترده در ایجاد ترمینال‌های تبدیل مجدد به گاز در آمریکا، سرمایه‌گذاری بیشتری برای صادرات گاز طبیعی خود به اروپا می‌نمود.

ضعف نظام حقوقی حاکم بر دو کشور در بخش نفت و گاز منجر به عدم تأمین پایبندی دو کشور به روش‌های تولید صیانتی خواهد شد. قبل از تشریح وضعیت حقوقی دو کشور در بهره‌برداری میدانی نفت و گاز از منظر تولید صیانتی، باید به این نکته توجه داشت که تأمین شرایط لازم برای تحقق الگوی عقلایی در تصمیم‌گیری چه منفی به همراه خواهد داشت. هر دو کشور، با هدف مشترکی مواجه هستند. این هدف، بهره‌مندی حداکثری از منافع اقتصادی حاصل از تولید و ازدیاد برداشت از بزرگترین میدان گازی جهان است. بدون تردید، بهره‌مندی حداکثری طی زمان از میدان پارس جنوبی توسط هر دو کشور، محقق نمی‌شود مگر آنکه موازین تولید صیانتی سرلوحه اقدامات دو کشور در بهره‌برداری از این میدان قرار گیرد.

با در نظر داشتن الگوی عقلایی در تصمیم‌گیری، کم هزینه‌ترین روش برای نیل به تولید صیانتی این است که هر تصمیم‌گیرنده به صورت علمی، با لحاظ کردن حداکثر نرخ کار^۱ به بهره‌برداری از مخزن پردازد، به طوری که کل میزان تولید از مخزن کمتر از حد مجاز باشد. با توجه به اینکه این تصمیم، کم هزینه‌ترین تصمیم برای تولید صیانتی از میدان پارس جنوبی است و سایر تصمیمات قابل اجرا با هزینه‌های بسیار زیادی همراه است^۲، لذا انتظار می‌رود این تصمیم، مشترکاً توسط هر دو تصمیم‌گیرنده اتخاذ شود. در چنین حالت، هر دو تصمیم‌گیرنده برای اجرای این تصمیم مشترک، چاره‌ای جز تشکیل تیم مشترک برای مدیریت مخزن و اجرای عملیات تولید به روش صیانتی نخواهند داشت.

۱. MER:Maximum Efficient Rate، به معنای نرخ از استخراج روزانه استمرارپذیر از نفت یا گاز مخزن است که توسعه اقتصادی و تخلیه آن مخزن را امکان‌پذیر می‌سازد بدون آنکه آثار سوئی بر «بازیافت نهایی- Ultimate Recovery» از مخزن داشته باشد. درخشان (۱۳۹۳)

۲. به عنوان مثال، سجادیان در نشست تخصصی با موضوع مخازن مشترک نفت و گاز و بررسی راهکارهای تولید صیانتی (۱۳۹۱) دو پیشنهاد ارائه می‌نماید. نخست می‌توان در برنامه توسعه میدان با استفاده از الگوی حفز چاه‌های تولیدی به موازات خط مرزی از سمت مرز بطرف داخل کشور (با کاهش تولید از جفت ردیف نزدیک به مرز، شروع تولید از چاه‌های جفت ردیف دوم بعدی و ادامه کار به همین منوال) به حداکثر تولید صیانتی دست یافت. بدون آنکه نگرانی از میزان تولید کشور همسایه احساس شود. همچنین با ساخت ژل پلیمر از مواد داخلی و تولیدات جانبی صنایع موجود در کشور و تزریق ژل پلیمر مناسب و به میزان کافی در چاه‌های تزریق آب (پس از رسیدن درجه اشباع آب به میزان ماکزیمم آن) اطمینان از غیر قابل نفوذ شدن پرده آبی تا میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش خواهد یافت. البته این سناریو تنها برای مخازن مشترکی که سطح مقطع صفحه عبوری از مرز و مخزن کوچک باشد توصیه می‌گردد. به هر حال هر دو پیشنهاد بسیار پر هزینه بوده و به احتمال فراوان، توجیه اقتصادی نخواهند داشت.

اتخاذ تصمیم فوق الذکر برای تشکیل تیم مشترک مدیریت مخزن، رجوع مجدد به راهبردهای متعارف بهره‌برداری از میادین مشترک در معاهدات بین‌المللی نمی‌باشد زیرا اجرای آن نیاز به توافقنامه‌های الزام‌آور و محدودکننده ندارد و صرفاً بر پایه تصمیم‌گیری انفرادی هر دو کشور برای حداکثرسازی منافع فردی اتخاذ می‌شود. به بیان دیگر تفاوت اصلی این راهبرد با راهبردهای متعارف قبلی، در الزامات مورد نیاز برای اجرای آن است. در حالی که اجرای راهبردهای متعارف، مستلزم توافق رسمی دو کشور بوده و نظارت‌های جدی برای اجرای موافقتنامه‌ها و پایبندی به آنها را مطالبه می‌نماید، اجرای راهبرد جدید، نیازمند الزامات حقوقی است که هر کدام از کشورها در درون خود باید تأمین نمایند. هر دو کشور ایران و قطر برای حصول این تصمیم مشترک در چارچوب الگوی عقلایی در تصمیم‌گیری، با الزامات حقوقی داخلی مواجه هستند. الزاماتی که در قوانین، مقررات، سیاستها، اسناد و قراردادهای منعقد شده دو کشور نمایان می‌گردد. ما در این مقاله، این الزامات را با عنوان کلی «الزامات حقوقی» هر دو کشور مشخص کرده‌ایم. بنابراین در ادامه به الزامات حقوقی تولید صیانتی از میدان پارس جنوبی - گنبد شمالی می‌پردازیم که در چارچوب الگوی عقلایی تصمیم‌گیری، ابزار اصلی برای حصول تصمیم مشترک دو کشور در جهت تشکیل تیم مشترک مدیریت مخزن محسوب می‌شود.

۶- الزامات حقوقی تولید صیانتی از میدان مشترک پارس جنوبی - گنبد شمالی

الزامات حقوقی تولید صیانتی از میدان پارس جنوبی - گنبد شمالی را به تفکیک دو کشور ایران و قطر بررسی می‌کنیم. در این راستا ابتدا وضعیت دو کشور در خصوص توجه به تولید صیانتی در مجموعه قوانین، مقررات و سیاستها تشریح می‌شود، سپس نواقص موجود بیان شده و پیشنهادهایی برای بهبود آن مطرح می‌گردد. مبنای انعقاد قراردادهای نفت و گاز در اکثر کشورها (و از جمله در این دو کشور) قوانین و مقررات حاکم در همان کشورهاست، لذا تغییر در ضوابط تولید صیانتی و سایر مسائل و ضوابط مورد نظر کشورهای صاحب مخزن باید ابتدا در قوانین و مقررات نمود یافته و سپس در قراردادهای نفت و گاز منعکس شود. از این رو در این مطالعه، نواقص موجود در قوانین، مقررات و

کاربرد الگوی عقلایی در تصمیم‌گیری‌های راهبردی برای تولید صیانتی از میدان مشترک پارس جنوبی ... ۱۵۹

سیاستها مورد بررسی و توجه قرار می‌گیرد و انتظار می‌رود که اصلاحات پیشنهادی در قراردادهای نفت و گاز نیز منعکس گردد.

۶-۱- الزامات حقوقی تولید صیانتی در ایران

قوانین اصلی نفت در ایران که تقریباً در تمامی متون و مطالعات علمی از آنها یاد می‌شود به لحاظ تاریخی عبارتند از:

- قانون مربوط به تفحص و اکتشاف و استخراج نفت در سراسر کشور و فلات قاره (مصوب ۱۳۳۶)^۱
- قانون نفت (مصوب ۱۳۵۳)^۲
- قانون نفت (مصوب ۱۳۶۶)
- قانون اصلاح قانون نفت ۱۳۶۶ (مصوب ۱۳۹۰)

در ایران، به رغم وجود قانون نفت، بسیاری از مسائل مرتبط با نفت در قوانین دیگری مثل قوانین مربوط به برنامه‌های پنج ساله توسعه، قوانین بودجه سالیانه، قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت و قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران ذکر شده است. علاوه بر این قوانین که به طور مستقیم مسائل نفت را هدف قرار داده‌اند، قوانین زیاد دیگری وجود دارد که اختصاص به نفت ندارند ولی فعالیت‌های نفتی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند، مانند قانون برگزاری مناقصات، قانون حداکثر استفاده از توان داخلی، قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، قوانین و مقررات راجع به تشکیل شرکت، شعبه و نمایندگی توسط اتباع خارجی، قوانین مالیاتی و قوانین راجع به تملک اراضی و حفظ محیط‌زیست (شیروی، ۱۳۹۳). در این مطالعه به بررسی قوانین اصلی و مرتبط با نفت و همچنین قوانین و سیاستهایی توجه خواهیم داشت که موضوع آنها به طور مستقیم، نفت نیست ولی به موضوع صیانت از مخازن نفت و گاز می‌پردازد. در واقع تلاش خواهیم کرد تا قوانین کشور را از منظر ملاحظات تولید صیانتی به اجمال مورد بررسی قرار دهیم.

۱. به موجب قانون نفت (مصوب ۱۳۵۳) این قانون نسخ گردید.

۲. به موجب قانون اصلاح قانون نفت ۱۳۶۶ (مصوب ۱۳۹۰) این قانون نسخ گردید.

الف- قوانین اصلی نفت در ایران

جدول شماره (۱) میزان توجه قوانین چهارگانه اصلی نفت ایران را به موضوع تولید صیانتی نشان می‌دهد.

جدول ۱- میزان توجه قوانین اصلی نفت به تولید صیانتی

عنوان قانون	شماره ماده	شرح ماده
قانون نفت ۱۳۳۶	۹	شرایط زیر در کلیه مواد مذکور در مواد ۷ و ۸ بایستی رعایت شود: و- شرکت ملی نفت ایران موظف است در هر یک از موارد عامل را با قید شرایط مقتضی ملزم نماید که حداکثر کوشش را در انجام تعهدات خود در مورد عملیات اکتشاف و تولید و بهره‌برداری نفت در مناطقی که در اختیار دارد به عمل آورده لازم استفاده کامل را از منابع مزبور رعایت کند. همچنین عامل بایستی متعهد شود که عملیات خود را با روش معمول صنعت نفت انطباق دهد و مخصوصاً در مورد حفاظت ذخائر هیدروکاربور از اصول صحیح فنی و مهندسی تبعیت نماید.
	۱۱	شرایط زیر باید در کلیه قراردادهایی که بر طبق مواد ۷ و ۸ و ۱۰ این قانون منعقد می‌گردد رعایت شود: ی- شرکت ملی نفت ایران موظف است هر عاملی را به نحوی که مقتضی بداند متعهد نماید که قسمت متناسبی از نفت مورد احتیاج مصرف داخلی را به بهای تمام شده به اضافه حق‌العمل عادلانه‌ای تأمین نماید ولی هیچ عاملی مجبور نخواهد بود که نفت را به مقداری زائد بر آنچه از لحاظ فنی جائز است تولید کند و یا از حیث مقدار یا جنس نفتی که تحویل می‌دهد تعهداتی قبول کند که با تعهدات عاملین دیگری که در ایران به عملیات صنعت نفت اشتغال دارند نامتناسب باشد.
قانون نفت ۱۳۵۳	۱۷	تعهدات طرف قرارداد: ۲- در مورد هر میدان تجاری باید ترتیباتی پیش‌بینی شود که انجام عملیات توسعه و تهیه وسائل لازم جهت استفاده و بهره‌برداری کامل از آن میدان را در مناسبترین مدت و با رعایت شرایط اقتصادی و اصول صحیح مهندسی تضمین نماید.
	۲۶	محافظت منابع و جلوگیری از آلودگی محیط: شرکت ملی نفت ایران مکلف خواهد بود که در جریان عملیات مربوط هر قرارداد دقت و مراقبت کامل را جهت حفظ منابع ثروت طبیعی (مخصوصاً گازهای طبیعی) همچنین جلوگیری از آلودگی محیط (هوا و آب و زمین) به عمل آورد. طرف قرارداد ملزم خواهد بود که در عملیات خود مقرراتی را که در این باب توسط دولت و یا شرکت ملی نفت ایران اعلام و ابلاغ می‌گردد رعایت نماید. شرکت ملی نفت ایران ضوابطی را که باید در اجرای مفاد این ماده به

کاربرد الگوی عقلایی در تصمیم‌گیری‌های راهبردی برای تولید صیانتی از میدان مشترک پارس جنوبی ... ۱۶۱

<p>ویژه در خصوص حفظ منابع نفتی، بازیافت مجدد نفت، افزایش بهره‌دهی مخازن زیرزمینی نفت، جلوگیری از سوزاندن و به هدر دادن نفت موردعمل قرار گیرد تدوین و اعلام خواهد کرد.</p>		
<p>وزارت نفت مکلف است در جریان عملیات نفتی ضمن برنامه‌ریزی‌های صحیح، نظارت و مراقبت کامل جهت صیانت ذخایر نفتی و حفاظت منابع و ثروت‌های طبیعی و تأسیسات و جلوگیری از آلودگی محیط‌زیست (هوا، آب، خاک) با هماهنگی سازمان‌های ذیربط عمل کند.</p>	۷	قانون نفت ۱۳۶۶
<p>اصطلاحات این قانون در معانی مشروح ذیل به کار می‌رود: بند ۴- عملیات بالادستی نفت: کلیه مطالعات، فعالیتها و اقدامات مربوط به اکتشاف، حفاری، استخراج، بهره‌برداری و صیانت از منابع نفتی، ... و یا هر فعالیتی که منجر به برداشت بهینه و حداکثری از منابع نفتی گردد ... جزء عملیات بالادستی محسوب می‌شود. بند ۷- تولید صیانت شده از منابع نفت: کلیه عملیاتی که منجر به برداشت بهینه و حداکثری ارزش اقتصادی تولید از منابع نفتی کشور در طول عمر منابع مذکور می‌شود و باعث جلوگیری از اتلاف ذخایر در چرخه تولید نفت بر اساس سیاستهای مصوب می‌گردد.</p>	۱	قانون اصلاح قانون نفت ۱۳۶۶ مصوب ۱۳۹۰
<p>وظایف هیئت عالی نظارت بر منابع نفتی به شرح زیر است: بند ۲- بررسی و ارزیابی اجرای سیاستهای راهبردی و برنامه‌های مصوب وزارت نفت در فرآیند صیانت از منابع نفت و گاز به منظور برداشت بهینه و حداکثری ارزش افزوده اقتصادی از منابع مذکور بند ۳- بررسی و ارزیابی متن، حجم مالی، تعهدات، مقدار محصول و زمان اجرای قراردادهای مهم نفت و گاز در جهت صیانت از عواید حاصل از انفال عمومی در حوزه نفت و گاز و امکان اجرای قرارداد</p>	۷	

مأخذ: سامانه قوانین مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی و گروه پژوهش مدرسه عالی حقوق (۱۳۹۳)

همانطور که مشاهده می‌شود در چهار قانون اصلی مربوط به صنعت نفت ایران، اشاره مختصری به تولید صیانتی از منابع نفتی شده است. چون دو قانون ۱۳۳۶ و ۱۳۵۳ اکنون منسوخ تلقی می‌گردند، لذا صرفاً به بررسی قوانین نفت مصوب سالهای ۱۳۶۶ و ۱۳۹۰ می‌پردازیم. در قانون نفت ۱۳۶۶ وزارت نفت مکلف به برنامه‌ریزی، نظارت و مراقبت کامل جهت صیانت از ذخایر نفتی در جریان عملیات است. در این خصوص باید به دو نکته اساسی توجه نمود. نخست، این ماده، بدون ذکر جزئیات در خصوص نحوه نظارت و مراقبت در تولید صیانتی از میادین کشور، خصوصاً میادین مشترک، صرفاً به ذکر کلیات پرداخته است. دوم، پس از ابلاغ این قانون، هیچگونه تحرک قابل توجهی که در نتیجه

برنامه‌ریزی جهت تولید صیانتی از میادین کشور باشد، از سوی وزارت نفت مشاهده نشده است. در قانون نفت ۱۳۹۰، پس از تعریف تولید صیانتی در بند ۷ از ماده ۱ و قرار گرفتن آن در عملیات بالادستی در بند ۴ از ماده ۱، اجرای سیاستهای نظارتی آن به هیئت عالی نظارت بر منابع نفتی واگذار گردیده است. به استناد ماده ۳ این قانون، این هیئت متشکل از دادستان کل کشور، وزیر نفت، مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران، معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، وزیر امور اقتصادی و دارایی، رئیس کل بانک مرکزی، رئیس کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی، رئیس کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی و یکی از معاونین وزارت نفت به تشخیص وزیر نفت است.

همانطور که مشاهده می‌شود، بخش قابل توجهی از این هیئت فاقد صلاحیت تخصصی برای اظهارنظر کارشناسی در زمینه تولید صیانتی هستند. درخشان (۱۳۹۲) می‌نویسد: «چگونه می‌توان انتظار داشت که بدون هیئت‌های تخصصی متشکل از کارشناسان و خبرگان نفتی با تجربه و مستقل، این هیئت عالی با اکثریت غیرتخصصی، بتواند وظایف خطیری همچون بررسی و ارزیابی اجرای سیاستهای راهبردی و برنامه‌های مصوب وزارت نفت در فرآیند صیانت از منابع نفت و گاز به منظور برداشت بهینه و حداکثری ارزش افزوده اقتصادی از منابع مذکور و بررسی و ارزیابی متن، حجم مالی، تعهدات، مقدار محصول و زمان اجرای قراردادهای مهم نفت و گاز در جهت صیانت از عواید حاصل از انفال در حوزه نفت و گاز و امکان اجرای قرارداد را به خوبی انجام دهد؟». بنابراین آنچه به وضوح نمایان است، قوانین اصلی نفت در ایران، کفایت لازم جهت پاسخگویی به نیاز ضروری و مهم تولید صیانتی از میادین نفتی را ندارند.

ب- قوانین مرتبط با نفت در ایران

به منظور اجرای بهینه عملکرد دستگاهها و سازمانهای مرتبط با نفت و یا تسهیل عملیات نفتی در بخش بالادستی و پایین‌دستی، قوانین و مقرراتی در ایران تنظیم شده است. برخی از این قوانین، به موضوع تولید صیانتی نیز پرداخته‌اند که در جدول شماره (۲) به آنها اشاره نموده و سپس به اجمال بررسی خواهیم کرد.

کاربرد الگوی عقلایی در تصمیم‌گیری‌های راهبردی برای تولید صیانتی از میدان مشترک پارس جنوبی ... ۱۶۳

جدول ۲- میزان توجه قوانین مرتبط با نفت به تولید صیانتی

شرح ماده	شماره ماده	عنوان قانون
وظایف و اختیارات وزارت نفت به شرح زیر است: ب - امور نظارتی ۱- نظارت بر بهره‌برداری بهینه و صیانتی از ذخایر و منابع نفت و گاز کشور ت - امور سرمایه‌گذاری و تأمین منابع مالی ۳- جذب و هدایت سرمایه‌های داخلی و خارجی به منظور توسعه میدان هیدروکربوری با اولویت میداین مشترک از طریق طراحی الگوهای جدید قراردادی از جمله مشارکت با سرمایه‌گذاران و پیمانکاران داخلی و خارجی بدون انتقال مالکیت نفت و گاز موجود در مخازن و با رعایت موازین تولید صیانت شده	۳	قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱
موضوع شرکت عبارت است از اعمال حق مالکیت ملت ایران نسبت به منابع نفتی و گازی سرتاسر کشور و فلات قاره و اشتغال به عملیات صنعت نفت و گاز و پتروشیمی و صنایع وابسته در داخل و خارج کشور به شرح زیر: د- حفظ مخازن زیر زمینی نفت و گاز و هیدروکاربورهای دیگر و اتخاذ تدابیر لازم برای جلوگیری از تلف شدن مواد مذکور و بهره‌برداری صحیح از ذخایر نفتی در سراسر کشور و فلات قاره	۴	قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۵۶
- میزان گاز تزریقی به مخازن نفتی - ضریب بازیافت نفت خام - میزان تولید میعانات گازی		شاخص‌های ارزیابی عملکرد وزارت نفت مصوب ۱۳۸۲/۴/۲۱

مأخذ: سامانه قوانین مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و حاتمی و کریمیان (۱۳۹۳)

با توجه به نقش راهبردی که قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت در حال حاضر دارد و مؤخر بودن آن نسبت به سایر قوانین مربوط به قراردادهای نفتی و گازی از یک سو و با در نظر گرفتن تأثیر این قانون بر قالب‌های جدید قراردادی در حوزه نفت و گاز از سوی دیگر، این قانون باید به صورت ویژه‌ای مورد توجه قرار گیرد. قانونگذار در بند سوم بخش ت ماده (۳) این قانون، با قید عبارت «از جمله» و بیانی تمثیلی، انواع قراردادهای نفتی

۱. اساسنامه شرکت ملی نفت ایران از زمان تأسیس آن شرکت در سال ۱۳۳۱ تا سال ۱۳۵۶، چهار بار دستخوش تغییر و اصلاح قرار گرفت. از سال ۱۳۵۶ تاکنون، متن این اساسنامه تجدیدنظر نشده است. لذا در این مطالعه از آخرین اساسنامه شرکت ملی نفت ایران استفاده نموده‌ایم.

به غیر از امتیاز که مانع قانون اساسی دارد، شامل انواع قراردادهای مشارکت، مانند مشارکت در تولید، مشارکت در سود و مشارکت در سرمایه‌گذاری و نیز انواع قراردادهای خدماتی و همین‌طور هرگونه قرارداد جدید دیگر که ممکن است در آینده تدوین و تنظیم شوند با رعایت دو قید عدم انتقال مالکیت نفت و گاز موجود در مخازن و رعایت موازین تولید صیانتی تجویز کرده است (حاتمی و کریمیان، ۱۳۹۳). همچنین در این قانون، یکی از وظایفی که در حوزه امور نظارتی بر عهده وزارت نفت گذاشته شده است آن است که بر بهره‌برداری بهینه و صیانتی از ذخایر نفت و گاز کشور نظارت نماید.

نکته اساسی این است که عموماً عمر فعالیت شرکتهای نفتی بین‌المللی در میدین نفتی از عمر مخزن بسیار کوتاه‌تر است. بنابراین انتظار از شرکتهای نفتی بین‌المللی مبنی بر توجه به تولید صیانتی و در واقع توجه به منافع ملی بلندمدت کشور میزبان که متضمن منافع نسل‌های آینده آن کشور می‌باشد، انتظار نابجایی است زیرا این شرکتها سود خود را در کوتاه‌مدت مطالبه می‌نمایند و باید پاسخگویی مطالبات سهامداران و صاحبان اصلی خود باشند. درخشان (۱۳۹۲) معتقد است: «قلمرو قراردادهای نفتی، بایستی فقط به حوزه حمایت‌های فنی، تجهیزاتی و مشاوره‌ای محدود شود و کلیه عملیات نفتی در چرخه نفت، از اکتشاف و ارزیابی و توسعه و تولید تا اجرای برنامه‌های بهبود و افزایش بازایافت مستقیماً بر عهده شرکت ملی نفت یا شرکتهای تابعه باشد.»

در قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۵۶، یکی از روشهای اعمال حق مالکیت ملت ایران نسبت به منابع نفتی و گازی، «حفظ مخازن زیرزمینی نفت و گاز و هیدروکربورهای دیگر و اتخاذ تدابیر لازم برای جلوگیری از تلف شدن مواد مذکور و بهره‌برداری صحیح از ذخایر نفتی» می‌باشد. بدیهی است اعمال این روش، مستلزم «اتخاذ تدابیر لازم» است. بررسی عملکرد شرکت ملی نفت ایران نشان می‌دهد که جز الزام شرکتهای نفتی به رعایت موازین تولید صیانتی در قراردادهای منعقد، برنامه‌ریزی مدون و صحیحی در این خصوص انجام نشده است. به طور مشخص، در رابطه با میدان پارس جنوبی تاکنون هیچ برنامه مدون و مشخصی برای اجرای اصول فنی تولید صیانتی مشاهده نشده است. سایر میدین نفت و گاز کشور نیز تقریباً چنین‌اند. مطالعاتی که قبل از انقلاب اسلامی انجام شد نشان می‌دهد که برای تولید صیانتی از میدین نفتی منتخب، باید دست

کاربرد الگوی عقلایی در تصمیم‌گیری‌های راهبردی برای تولید صیانتی از میدان مشترک پارس جنوبی ... ۱۶۵

کم روزانه ۲۵۰ میلیون متر مکعب گاز به آن میداین تزریق شود (سعیدی، ۱۳۸۱). در حالی که در سال ۱۳۹۳ و بعد از برداشت میلیاردی بشکه نفت و افت شدید فشار مخازن نفتی، حجم تزریق گاز به میداین نفتی هنوز به طور متوسط از مرز ۷۰ یا ۸۰ میلیون مترمکعب در روز تجاوز نکرده است (درخشان، ۱۳۹۳).

شورای عالی اداری در جلسه مورخ ۱۳۸۲/۴/۲۱ بنا به پیشنهاد مشترک سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت نفت و به استناد بند «ب» ماده ۴ آئین‌نامه ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی کشور، شاخص‌های اختصاصی ارزیابی عملکرد وزارت مذکور را تصویب نمود تا پس از ارسال فرم‌ها و دستورالعمل‌های مربوط توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، سایر مراحل فرآیند ارزیابی در ابعاد اختصاصی توسط دستگاه‌های ذیربط صورت پذیرد. توجه به شاخصها، حاوی نکات قابل تأملی است. با نهایت تأسف، هیچکدام از این شاخصها به تولید صیانتی از میداین گازی کشور (از جمله میدان فوق‌عظیم پارس جنوبی) اشاره‌ای ننموده و در کمال تعجب، افزایش «میزان تولید میعانات گازی» از میداین گازی کشور، یکی از شاخصهای ارزیابی عملکرد وزارت نفت محسوب شده است (ابلاغیه شماره ۱۹۰۱/۱۶۷۳۲۷ مورخ ۱۳۸۲/۹/۴ شورای عالی اداری). به عبارت دیگر، وزارت نفت، چنانچه تولید میعانات گازی را در سال هدف، نسبت به سال گذشته افزایش دهد، بدون توجه به تولید صیانتی، عملکرد مثبتی خواهد داشت. شاخصهای تولید صیانتی از میداین نفتی نیز با ابهاماتی روبروست. یکی از این شاخصها، افزایش «میزان گاز تزریقی به مخازن نفتی» است که همانطور که بیان شد در چند دهه گذشته، تقریباً تغییری نداشته است. شاخص بعدی، افزایش «ضریب بازیافت نفت» است. چگونه ممکن است که با نبود یا کمبود برنامه‌های مدون ازدیاد برداشت، ضریب بازیافت از مخازن نفتی افزایش یابد؟

ج- سایر قوانین و سیاستهای مرتبط با نفت در ایران

قوانین و سیاستهای جاری و لازم‌الاجرای دیگری در کشور وجود دارند که موضوع اصلی آنها نفت و گاز نیست، لیکن به مسائل مرتبط با تولید صیانتی پرداخته‌اند. این موارد را در جدول شماره (۳) بیان می‌کنیم.

جدول ۳- میزان توجه سایر قوانین به تولید صیانتی

شرح ماده	شماره ماده (بند)	عنوان قانون
سیاست‌های کلی نفت و گاز ۲- افزایش ظرفیت تولید صیانت شده نفت متناسب با ذخایر موجود و برخورداری کشور از افزایش قدرت اقتصادی و امنیتی و سیاسی ۳- افزایش ظرفیت تولید گاز، متناسب با حجم ذخایر کشور به‌منظور تأمین مصرف داخلی و حداکثر جایگزینی با فرآورده‌های نفتی	۲- الف	سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران
مقابله با ضربه پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز از طریق: - افزایش صادرات گاز -	۱۳	
افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز کشور به منظور اثرگذاری در بازار جهانی نفت و گاز و تأکید بر حفظ و توسعه ظرفیت‌های تولید نفت و گاز، بویژه در میادین مشترک	۱۴	سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی
افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز، توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه (بر اساس شاخص شدت مصرف انرژی) و بالا بردن صادرات برق، محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی با تأکید بر برداشت صیانتی از منابع	۱۵	
الف - وزارت نفت مجاز است با ایجاد فضا و شرایط رقابتی، نسبت به صدور پروانه اکتشاف، توسعه و تولید مورد نیاز برای بهره‌برداری از حداکثر ظرفیتها برای توسعه میدانهای نفت و گاز و افزایش تولید صیانت‌شده با حفظ ظرفیت تولید سال ۱۳۸۹ تا سقف تولید اضافه روزانه یک میلیون بشکه نفت خام و دویست و پنجاه میلیون مترمکعب گاز طبیعی با اولویت میادین مشترک، با تأکید بر توسعه میدان گاز پارس جنوبی، پس از تصویب توجیه فنی و اقتصادی طرحها در شورای اقتصاد و درج در قوانین بودجه سنواتی و نیز مبادله موافقتنامه با معاونت با استفاده از روشهای زیر اقدام نماید: ۱- استفاده از انواع روشهای اکتشاف، توسعه، تولید در دوره زمانی معین در میادین نفت و گاز تبصره - شرایط اساسی این روشها با حفظ حق مالکیت و اعمال تصرفات مالکانه برای دولت در سال اول برنامه با پیشنهاد وزارت نفت تهیه و به تصویب شورای اقتصاد می‌رسد. ۳- استفاده از روش بیع متقابل با رعایت اصول و شرایط موضوع بند (ب) ماده (۱۴) قانون برنامه چهارم توسعه تبصره - وزارت نفت می‌تواند در طول برنامه نسبت به انعقاد قرارداد توسعه و تولید از کلیه میادین مشترک شناخته شده اقدام و تلاش لازم را به‌عمل آورد.	۱۲۵	قانون برنامه پنجاه و پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰-۱۳۹۴)

کاربرد الگوی عقلایی در تصمیم‌گیری‌های راهبردی برای تولید صیانتی از میدان مشترک پارس جنوبی ... ۱۶۷

<p>وزارت نفت موظف است:</p> <p>ب - برای فعالیتهای اکتشاف، توسعه، استخراج و تولید نفت و گاز توسط شرکتهای تابعه وزارت نفت و شرکتهای صاحب صلاحیت، با اتخاذ ضوابط تولید صیانتی، پروانه بهره‌برداری بدون حق مالکیت نسبت به نفت و گاز تولیدی صادر و بر اساس طرح مصوب، بر عملیات اکتشاف، توسعه و تولید شرکتهای فوق‌الذکر از نظر مقدار تولید و صیانت مخزن و معیارهای سلامتی - ایمنی و زیست محیطی نظارت نماید.</p>	<p>۱۲۹</p>
<p>به منظور افزایش ضریب بازیافت مخازن کشور در طول برنامه به میزان یک درصد (۱٪)، وزارت نفت موظف است طی سال اول برنامه، برنامه جامع صیانتی و ازدیاد برداشت از مخازن هیدروکربوری را با رعایت اولویت‌بندی مخازن به تفکیک نواحی خشکی و مناطق دریایی تهیه و برای حسن اجرای آن اقدامات لازم را به عمل آورد.</p>	<p>۱۳۰</p>
<p>وزارت نفت موظف است نسبت به تولید صیانتی میدانهای نفتی و گازی در طی سالهای برنامه به توالی با حداقل ده درصد، بیست درصد، پنجاه درصد، هفتاد و پنج درصد و صد درصد از میداین اقدام نماید. به این منظور سالانه ده درصد از ارزش نفت خام و میعانات و مایعات گازی تولیدی پس از واریز به خزانه برای عملیات زیر به شرکتهای تابعه وزارت نفت تخصیص می‌یابد:</p> <p>الف - برداشت صیانتی از مخازن نفتی موجود با تزریق گاز، آب و سایر روشها به نحوی که در طول برنامه پنجم، متوسط تولید نفت خام مخازن مذکور، حداقل معادل متوسط برداشت در سال ۱۳۸۸ باشد.</p> <p>ب - افزایش تولید گاز طبیعی به خصوص با اجرای فازهای برنامه‌ریزی شده میدان گازی پارس جنوبی و سایر میداین مشترک گازی و جمع‌آوری گازهای در حال سوختن میداین در حال بهره‌برداری، به نحوی که علاوه بر تأمین گاز کافی برای تزریق به میداین نفتی، مصارف داخلی کشور و صادرات تعهدشده، تضمین شود.</p>	<p>۲۲۹</p>

مأخذ: سامانه قوانین مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی

سیاستهای کلی نظام در دوره چشم‌انداز و سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی در واقع اسنادی هستند که حرکت کشور را به سمت رشد و پیشرفت تسهیل می‌نمایند. این اسناد و سیاستها، به طور کلی تبیین‌کننده چارچوب قانونگذاری و اجرا در کشور می‌باشند. از این اسناد و سیاستها نمی‌توان انتظار داشت که به ذکر جزئیات پردازند، بلکه خود مستلزم تدوین و ابلاغ قوانین و مقرراتی می‌باشند که تحقق آنها را تسهیل نمایند. از این‌رو لازم است «با تهیه قوانین و مقررات لازم و تدوین نقشه راه برای عرصه‌های مختلف» زمینه اجرای آنها فراهم گردد. با علم به این مطالب، می‌توان گفت که علی‌رغم توجه این

سیاستها به موضوع تولید صیانتی از مخازن کشور، هنوز هیچ سندی دال بر تدوین قوانین و مقررات لازم، مناسب و متناسب با مخازن کشور مشاهده نگردیده و نقشه راهی برای تولید صیانتی از مخازن نفت و گاز کشور وجود ندارد. ذکر این نکته نیز ضروری است که به حفظ موازین تولید صیانتی از میداین گازی کشور به صورت شایسته در این سیاستها اشاره‌ای نشده و بر «افزایش ظرفیت تولید گاز» و «افزایش صادرات گاز کشور» پرداخته شده است. البته به نظر می‌رسد واژه «نفت» در بند ۲ سیاستهای کلی نفت و گاز که عنوان می‌کند: «افزایش ظرفیت تولید صیانت شده نفت»، به معنای عام نفت و گاز می‌باشد.

توجه به مواد ۱۲۵ و ۱۲۹ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران نیز نشان می‌دهد که این مواد، اگرچه اشارات پراکنده‌ای به موضوع تولید صیانتی دارد، به نظر می‌رسد این موضوع در حاشیه هدف اصلی قانونگذار مبنی بر افزایش یا حداقل، حفظ ظرفیت تولید از میداین نفت و گاز کشور قرار گرفته و توجه چندانی به آن نشده است. ماده ۱۳۰ و ۲۲۹ این قانون، تنها جایی است که در مجموعه قوانین، مقررات و سیاستهای لازم‌الاجرا و فعال کشور، نسبت به هدفگذاری جهت تولید صیانتی از میداین اقدام نموده است. ماده ۱۳۰ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه کشور، وزارت نفت را موظف به تأمین شرایطی نموده است که طی آن، ضریب بازیافت مخازن نفتی کشور در طول اجرای برنامه (۱۳۹۰-۱۳۹۴) به میزان یک درصد افزایش یابد. همچنین قانونگذار تلویحاً وزارت نفت را موظف به اولویت‌بندی مخازن به تفکیک نواحی خشکی و مناطق دریایی نموده است. علی‌رغم منحصر به فرد بودن این ماده در مجموعه قوانین و مقررات کشور در زمینه توجه به تولید صیانتی و هدفگذاری کمی برای آن، باید گفت که در حوزه اجرا، دو مسئله اساسی در خصوص مفاد این ماده وجود دارد که پیش از این نیز بیان گردید. اول، عدم امکان نظارت بر افزایش ضریب بازیافت به لحاظ فنی است و دوم، عدم اجرای این ماده در طول برنامه پنجساله پنجم می‌باشد. همانطور که بیان شد، هیچ برنامه مدون و مشخصی برای نظارت بر اجرای سیاستهای ازدیاد برداشت طراحی نشده و حجم گاز تزریقی به میداین کشور با هدف ازدیاد برداشت در طول سالهای این برنامه تغییر محسوسی نداشته است. ماده ۲۲۹ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه کشور نیز در واقع در امتداد ماده ۱۳۰ ابلاغ گردیده و وزارت نفت را موظف به «تولید صیانتی میدان‌های نفتی و گازی طی سالهای

کاربرد الگوی عقلایی در تصمیم‌گیری‌های راهبردی برای تولید صیانتی از میدان مشترک پارس جنوبی ... ۱۶۹

برنامه به توالی با حداقل ده درصد، بیست درصد، پنجاه درصد، هفتاد و پنج درصد و صد درصد از میادین» نموده است. آنچه مشخص است مواد ۱۳۰ و ۲۲۹ این قانون به درستی اجرا نشده و با توجه به محدودیت اطلاعات مشخص نیست که آیا معادل ده درصد از ارزش نفت خام و میعانات و مایعات گازی تولیدی صرف اجرای اصول فنی برداشت صیانتی از میادین کشور گردیده است یا خیر. در هر صورت مواد ۱۳۰ و ۲۲۹ قانون برنامه پنجم توسعه با شرایط فعلی از مطلوب‌ترین مواد قانونی فعال در کشور در زمینه تولید صیانتی از میادین نفت و گاز محسوب می‌شوند، لیکن مطلوبیت این مواد قانونی نیز منجر به تغییر شرایط مخازن ایران در تولید صیانتی نگردیده است.

د- پیشنهادهایی در راستای تحقق تولید صیانتی در ایران

با توجه به نقاط ضعف موجود در مجموعه قوانین، مقررات و سیاستهای کشور که به موضوع تولید صیانتی اشاره نموده‌اند، در زیر پیشنهادهایی به منظور تأمین شرایط لازم در راستای اصلاح ساختار و ایجاد توانایی‌های حقوقی لازم برای تحقق چارچوب الگوی عقلایی در تصمیم‌گیری در ایران ارائه می‌گردد:

- ۱- علی‌رغم پرداختن به موضوع تولید صیانتی در بسیاری از قوانین، مقررات و سیاستهای کشور، البته به صورت پراکنده، کلی و بدون ذکر جزئیات، کارکرد این اصل مهم در کشور مطلوب نمی‌باشد. از این‌رو ضرورت دارد وزارت نفت پس از بررسی‌های کارشناسی، چارچوب کلی تولید صیانتی از مخازن نفت و گاز کشور را به تفکیک میادین مستقل و میادین مشترک با ذکر جزئیات در قالب لایحه‌ای از سوی هیئت وزیران برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارسال نماید. در پیش‌نویس قانون مزبور، الگوهای مورد نظر برای اجرای اصول و موازین تولید صیانتی باید آزمون‌پذیر و قابل راستی‌آزمایی باشند.
- ۲- تمامی میادین نفت و گاز کشور باید دفترچه الزامات تولید صیانتی داشته باشند. این دفترچه حاوی آخرین مطالعات مربوط به میدان برای اعمال سیاستهای ازدیاد برداشت از هر میدان است. دفترچه موصوف، باید در بازه‌های زمانی معقول بروزرسانی گردد. به عنوان مثال، دفترچه الزامات تولید صیانتی از میدان پارس جنوبی باید به طور مشخص و دقیق، میزان و حجم بازگردانی گاز به مخزن را بعد از استحصال کندانسه ارائه نماید. نکته

اساسی در این پیشنهاد، التزام عاملان عملیات نفتی به رعایت اصول درج شده در دفترچه الزامات تولید صیانتی است که در بند ۱ به آن پرداخته شد.

۳- اجرای پیشنهادهای شماره ۱ و ۲ مستلزم طراحی ساختاری است که در آن امکان نظارت بر عملکرد عاملان عملیات نفتی وجود داشته باشد. ساختار اعضای ناظر بر عملکرد تولید کنندگان مخازن نفت و گاز کشور، باید فنی و متشکل از مهندسان و کارشناسان خبره و مستقل باشد.

۴- همانطور که بیان شد موضوع تولید صیانتی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است زیرا با منافع ملی بلندمدت گره خورده و منافع نسل‌های آتی ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این رو لایحه قانونی تدوین شده باید اقدامات تنبیهی کافی برای متخلفان احتمالی اجرای این امر، پیش‌بینی نماید. طبعاً در لایحه قانونی تدوین شده، تولید صیانتی از میدان پارس جنوبی به عنوان یکی از میادین فوق‌عظیم کشور در زیرمجموعه میادین مشترک مورد توجه جدی قرار خواهد گرفت.

- در تدوین الزامات حقوقی تولید صیانتی از میادین کشور، باید به میادین مستقل گازی نیز حداقل به اندازه میادین نفتی، توجه نمود. قبلاً به خسارت‌های کلان اقتصادی ناشی از عدم توجه به تولید صیانتی از میدان پارس جنوبی پرداختیم. تمرکز قوانین، مقررات و سیاست‌های فعلی، بر تولید صیانتی از میادین نفتی است و به نظر می‌رسد قانونگذار نسبت به اهمیت توجه به موازین تولید صیانتی از مخازن گازی کشور آگاهی کافی ندارد.

- در شاخصهای ارزیابی عملکرد وزارت نفت، همچنین شرکت ملی نفت و شرکتهای تابعه، باید به موضوع تولید صیانتی از میادین نفت و گاز توجه جدی شود. به بیان دیگر هیچ شاخصی در عملکرد وزارت مزبور و شرکتهای تابعه نباید با موضوع تولید صیانتی از مخازن نفت و گاز کشور در تقابل باشد.

۶-۲- الزامات حقوقی تولید صیانتی در قطر

الف- حقوق نفت و گاز قطر

پیش از پرداختن به حقوق نفت و گاز قطر، بایستی به یک مسئله اساسی در نظام قانونی این کشور که موضوع تولید صیانتی از میادین قطر را تحت الشعاع قرار می‌دهد، اشاره نمود. به

کاربرد الگوی عقلایی در تصمیم‌گیری‌های راهبردی برای تولید صیانتی از میدان مشترک پارس جنوبی ... ۱۷۱

استناد ماده ۲ از فرمان قانونی شماره ۳ سال ۲۰۰۷ با موضوع «بهره‌برداری از ثروت‌های طبیعی و منافع آن»، تمامی منابع طبیعی قطر (از جمله نفت و گاز) جزء اموال دولت و متعلق به نظام حاکمیت محسوب می‌شود. این نگرش به منابع طبیعی، با نگاهی که در کشور ایران و بسیاری از کشورهای جهان حکمفرماست، کاملاً متفاوت است. به استناد ماده ۲ قانون اصلاح قانون نفت ۱۳۶۶ ایران مصوب ۱۳۹۰: «کلیه منابع نفتی جزء انفال و ثروت‌های عمومی است. اعمال حق حاکمیت و مالکیت عمومی بر منابع مذکور به نمایندگی از طرف حکومت اسلامی بر عهده وزارت نفت است.» توجه به نفت به عنوان اموال دولت یا حکومت با توجه به نفت به عنوان اموال ملت، دو مقوله کاملاً مجزا است. منافع دولت یا حکومت، عموماً در کوتاه‌مدت شکل می‌گیرد و با منافع ملی که مستلزم نگاه بلندمدت و در نظر داشتن منافع نسل‌های آینده ملت است، در یک راستا نیست.^۱ در تعریف تولید صیانتی از مخازن نفت و گاز به حداکثرسازی ارزش اقتصادی مخزن در طول عمر آن اشاره نمودیم. این تعریف در بلندمدت و در سایه توجه به منافع ملی و نسل‌های آینده تحقق می‌یابد و قطعاً با نگرش قطر به مالکیت مخازن نفت و گاز، سازگار نیست.

با این حال، کشور قطر از جنبه‌های مختلف خصوصاً از لحاظ موقعیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و جغرافیایی تفاوت‌های چشمگیری با ایران دارد. این کشور سالها در استعمار انگلستان بود تا اینکه در سال ۱۹۷۱ میلادی استقلال یافت. براساس اصول ۷۶ و ۷۷ قانون اساسی قطر^۲، مجلس شورا عهده دار قوه مقننه در این کشور است. قوه مقننه، در واقع شورایی مشورتی است که خط مشی عمومی این کشور را در زمینه‌های گوناگون تعیین می‌نماید. مجلس شورا، عموماً مسئول بررسی لوایح پیشنهادی هیئت وزیران بوده و نظرات مشورتی خود را در این خصوص به امیر قطر می‌دهد. در نهایت، هر قانون با تأیید و تصویب امیر قطر رسمیت یافته و ابلاغ می‌گردد.

۱. نکته جالب توجه آن است که امیر قطر، طی فرمان قانونی شماره ۱۳ مصوب ۱۹۷۲ با عنوان «قانون تأسیس شرکت ملی نفت قطر» این شرکت را تأسیس می‌کند، ولی دو سال بعد، طی ماده ۲۹ فرمان قانونی شماره ۱۰ مصوب ۱۹۷۴ قانون قبلی را لغو نموده و با اصلاحات اندکی، واژه «ملی» را از نام این شرکت جدا نموده و آن را یک شرکت «عمومی» تلقی می‌نماید. در نهایت و براساس فرمان شماره ۱۸ در سال ۲۰۰۱ این شرکت، به نام «شرکت نفت قطر» نامگذاری می‌شود.

۲. قانون اساسی دائمی دولت قطر براساس انتخابات عمومی در ۲۹ آوریل ۲۰۰۳ به تأیید عموم مردم رسید و در تاریخ ۸ ژوئن ۲۰۰۴ توسط امیر قطر ابلاغ گردید.

شورای مشورتی متشکل از کمیته‌هایی است که هیچکدام به طور مستقیم به مسئله نفت و گاز نمی‌پردازند^۱. بنابراین می‌توان گفت که نظام قانونگذاری در قطر خصوصاً در حوزه صنعت نفت و گاز از پیچیدگی خاصی برخوردار نیست. مطالعه قوانین قطر در حوزه نفت و گاز نشان می‌دهد که قوانین مزبور پس از تهیه متن پیشنهادی توسط وزارت انرژی و صنعت و طرح و تصویب آنها در هیئت وزیران، برای اخذ نظرات مشورتی به مجلس شورا ارسال می‌گردد. مجلس شورا به علت فقدان کمیته تخصصی در این زمینه، عموماً با نظرات مشورتی محدود، پیش‌نویس قانون را جهت تصویب و ابلاغ برای امیر قطر ارسال می‌نماید.^۲

با توجه به مطالب فوق الذکر، کشور قطر، در حوزه نفت و گاز قوانین محدودی دارد. مطالعه و بررسی قوانین و مقررات قطر نشان می‌دهد که چارچوب قانونی صنعت نفت و گاز در این کشور در مجموعه قوانین و برنامه‌های زیر شکل گرفته‌اند:^۳

- فرمان قانونی شماره ۱۰ سال ۱۹۷۴ با موضوع «قانون تأسیس شرکت نفت دولتی قطر»
- فرمان قانونی شماره ۴ سال ۱۹۷۷ با موضوع «حفاظت از ثروت نفت»
- فرمان قانونی شماره ۳۰ سال ۲۰۰۲ با موضوع «قانون حفاظت از محیط‌زیست»
- فرمان قانونی شماره ۳ سال ۲۰۰۷ با موضوع «بهره‌برداری از ثروت‌های طبیعی و منابع آن»

- برنامه توسعه ملی قطر ۲۰۱۱-۲۰۱۶
- سند چشم‌انداز قطر برای سال ۲۰۳۰

۱. شورای مشورتی در قطر دارای کمیته‌های امور حقوقی و قانونگذاری، مالی و اقتصادی، خدمات عمومی و برق و تلفن، امور داخلی و خارجی و امور فرهنگی و اطلاعاتی است.

۲. این موضوع با مطالعه قانون اساسی قطر (مصوب ۲۰۰۴ میلادی) خصوصاً اصول ۶۱ و ۶۷ آن و همچنین مطالعه مقدمه قوانین نفتی این کشور استنتاج شده است.

۳. این مجموعه قوانین و مقررات، باستناد جستجو در پرتال حقوقی قطر به نشانی اینترنتی www.almeezan.qa و همچنین از تحقیق والدز و همکاران (۲۰۱۴) که نظام قانونگذاری نفت و گاز را در قطر مطالعه نموده‌اند، استخراج شده است. در پرتال حقوقی قطر تمامی قوانین، برنامه‌ها، موافقتنامه‌ها و تصمیمات قطر که به تصویب رسیده‌اند، قابل جستجو و دستیابی است.

کاربرد الگوی عقلایی در تصمیم‌گیری‌های راهبردی برای تولید صیانتی از میدان مشترک پارس جنوبی ... ۱۷۳

جدول شماره ۴ بیانگر میزان توجه قوانین فوق به مسئله تولید صیانتی از مخازن نفت و گاز قطر می‌باشد.

جدول ۴- میزان توجه قوانین قطر به تولید صیانتی

عنوان قانون (سند)	بخش (ماده)	شرح بخش (ماده)
فرمان قانونی «حفاظت از ثروت نفت» مصوب ۱۹۷۷	۳	با توجه به روشهای مورد نیاز برای انجام اقدامات احتیاطی و رعایت مقررات تولید، عملیات پروژه‌های نفتی باید با توجه به الزامات فنی و قواعد عملیاتی و استانداردهای معمول صنعت نفت انجام شود، به صورتی که بهره‌برداری، سرمایه‌گذاری و حفاظت از ثروت نفت به بهترین شکل ممکن تأمین شده و منجر به بالاترین بهره‌وری و مناسب‌ترین روش توسعه گردد. به گونه ای که منابع نفتی از آسیب یا هدررفت مصون بماند.
	۴	عامل، متعهد و مسئول است که مبادرت به انجام اقدامات احتیاطی مختلف برای پیشگیری از اتلاف، هدررفت و صدمه به شرایط زندگی، سلامت عمومی، و منابع ثروت‌های طبیعی نماید.
برنامه اول توسعه ملی قطر (۲۰۱۶-۲۰۱۱)	استراتژی اول	توسعه اقتصادی: دولت متعهد به بهره‌برداری مسئولانه از منابع هیدروکربنی قطر و سرمایه‌گذاری عاقلانه از درآمد حاصل به نفع نسل فعلی و آینده است.
	استراتژی سوم	حفظ رفاه اقتصادی: نرخ تولید از میدان شمالی (گنبد شمالی) با توجه به شرایط مخزن و ذخایر گاز برآورد شده، هزینه‌ها، عوامل تکنولوژیکی، نیازهای بازار داخلی و شرایط بازار جهانی تنظیم خواهد شد.
سند چشم‌انداز قطر برای سال ۲۰۳۰	سوم	توسعه اقتصادی توسعه اقتصادی قطر مبتنی بر رفاه و بهبود معیشت ملت است. حفظ رفاه در بلندمدت نیازمند مدیریت عاقلانه منابع تجدیدناپذیر است تا نسل‌های آینده به میزان کافی از آن بهره‌مند شوند. این شرایط مستلزم استفاده بهینه از منابع تجدیدناپذیر و ایجاد تعادل بین ذخایر هیدروکربنی و تولید از آنها و همچنین بین تنوع اقتصادی و تخلیه مخازن هیدروکربنی است. نتایج توسعه اقتصادی باید شامل موارد زیر باشد: ۲- مسئولیت‌پذیری در بهره‌برداری از منابع نفت و گاز: - بهره‌برداری بهینه از منابع هیدروکربنی، ایجاد تعادل بین حجم ذخایر و تولید و تعادل بین تنوع بخشی به نظام اقتصادی با میزان تخلیه مخازن هیدروکربنی - توسعه کامل صنعت گاز به منظور فراهم آوردن منابع انرژی پاک برای قطر و جهان - محافظت و نگهداری بلندمدت از ذخایر استراتژیک نفت و گاز به منظور پاسخگویی به نیازهای امنیت ملی و توسعه پایدار

مأخذ: پرتال حقوقی قطر و والدز و همکاران (۲۰۱۴)

در مقایسه با ایران، قطر بسیار کمتر به موضوع تولید صیانتی پرداخته است. ماده ۳ فرمان قانونی حفاظت از ثروت نفت که در مقدمه تمامی قوانین و مقررات نفت و گاز قطر از آن به عنوان «صیانت از ثروت نفت» یاد می‌شود، واحدهای مجری در این کشور (خصوصاً شرکت نفت قطر) را به رعایت اقدامات احتیاطی، قواعد عملیاتی و استانداردهای معمول صنعت نفت تشویق نموده است. در حالی که هیچ روشی برای انجام این مهم در نظر گرفته نشده است. در همین ماده دستیابی به بالاترین بهره‌وری و مناسب‌ترین روشهای توسعه مخازن، هدفگذاری شده است اما این اهداف صرفاً در صورت ذکر جزئیات و توجه به موازین تولید صیانتی محقق می‌گردد. در ماده ۴ عامل، متعهد به رعایت اصول و موازین فنی تولید صیانتی گردیده است ولی مجدداً در این ماده اثری از روشهای رعایت این اصول و تنبیهات احتمالی ناشی از عدم رعایت موارد مذکور مشاهده نمی‌گردد. بنابراین اصلی‌ترین قانون صنعت نفت و گاز قطر در زمینه تولید صیانتی، ضمن توجه به لزوم رعایت موازین فنی، روشهای نظارتی و تنبیهی خاصی برای رعایت آن در نظر نگرفته است.

سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ و برنامه اول توسعه ملی قطر نیز در این زمینه صرفاً به ذکر کلیات پرداخته‌اند. این سیاستها در کشوری وضع شده‌اند که بخش عمده‌ای از درآمد خود را از طریق صادرات منابع هیدروکربنی بدست می‌آورد، در حالی که توجه به تولید صیانتی در آنها از اهمیت بالایی برخوردار نیست. البته عنایت به وضعیت رفاهی و معیشتی نسلهای آینده قطر در هر دو سند مذکور به دفعات مشاهده می‌شود. به عنوان نمونه، در برنامه اول توسعه ملی قطر بیان شده که دولت برای دستیابی به رفاه اقتصادی پایدار باید این اقدامات را انجام دهد: نخست در جهت افزایش تولید مبادرت نماید. دوم، در مقابل بروز بی‌ثباتی‌های اقتصادی مراقبت نموده و بهره‌وری را افزایش دهد و سوم، همکاری با بخش خصوصی را جهت تنوع‌بخشی به اقتصاد و تشویق فرهنگ نوآوری و افزایش اختراعات دنبال نماید. این برنامه معتقد است که اجرای این اصول منجر به باقی ماندن منابع ثروت (خصوصاً ذخایر هیدروکربنی) برای نسل‌های آینده می‌شود. در خلاصه مدیریتی این برنامه، بیست چالش اصلی کشور قطر به همراه پاسخ‌های استراتژیک به آنها بیان شده است. نخستین چالش عنوان شده، ضرورت ثبات نرخ تولید از مخازن هیدروکربنی است. در

کاربرد الگوی عقلایی در تصمیم‌گیری‌های راهبردی برای تولید صیانتی از میدان مشترک پارس جنوبی ... ۱۷۵

مقابل، دولت موظف شده است تا سیاست‌های مناسب را برای ثبات این نرخ، تدوین و ابلاغ نماید.

سیاستگذاری در حوزه تولید صیانتی از منابع هیدروکربنی قطر در همین سطح، با ذکر کلیات خلاصه می‌شود و سایر قوانین و مقررات این کشور نیز بیش از آنچه بیان شد به این مسئله اساسی و کلیدی پرداخته‌اند. با آنکه میدان گنبدشمالی به عنوان بزرگترین ذخیره هیدروکربنی قطر محسوب می‌شود، در قوانین و مقررات صنعت نفت و گاز قطر اشارات کمی به آن شده است. مطابق جدول (۴) در استراتژی سوم از برنامه اول توسعه ملی قطر، نرخ تولید از میدان گنبدشمالی در سمت قطر، به چند عامل به شرح ذیل وابسته است: شرایط مخزن، حجم ذخایر برآورد شده، هزینه‌ها، عوامل تکنولوژیکی، نیازهای بازار داخلی و شرایط بازار جهانی. نکته اساسی این است که این عوامل در مواردی با یکدیگر سازگاری ندارند. چگونه می‌توان شرایط بازار جهانی گاز را با شرایط تولید صیانتی از مخزن، توأمان مورد توجه قرار داد؟ سوابق عملکرد قطر در بهره‌برداری از میدان گنبدشمالی نشان می‌دهد که این کشور با رفتار تهاجمی، صرفاً سعی در برداشت از مخزن برای افزایش صادرات و پاسخ به نیازهای داخلی داشته است. نیاز داخلی قطر به گاز گنبدشمالی به شدت در حال افزایش است. مصرف برق کشور کوچک قطر در سال ۲۰۱۲ نسبت به سال قبل از آن بیش از ۱۳ درصد رشد داشته است، این در حالی است که تمامی نیروگاه‌های تولید برق در قطر از طریق گاز طبیعی تأمین انرژی می‌شوند (والدز و دیگران، ۲۰۱۴). بنابراین قوانین و مقررات مرتبط با تولید صیانتی در قطر به هیچ وجه متضمن تولید صیانتی از میادین نفت و گاز این کشور، خصوصاً میدان گنبدشمالی نمی‌باشد.

ب- پیشنهادهایی در راستای تحقق تولید صیانتی در قطر

همانطور که ملاحظه شد، بحث تولید صیانتی دارای جایگاه اساسی در حقوق نفت و گاز قطر نمی‌باشد. در این مقاله برای تحقق الگوی عقلانی در تصمیم‌گیری به منظور مشارکت قطر در مدیریت مشترک میدان پارس جنوبی، اصلاحاتی در نظام حقوقی این کشور به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

۱- نگرش قطر به ثروت‌های طبیعی و مخازن هیدروکربنی باید تغییر یابد. نگاه ملی به این ثروت‌ها، خود به تنهایی بسیاری از مشکلات نظام حقوقی این کشور را حل می‌کند.

همانطور که بیان شد، تعلق ثروت‌های ملی به نظام حاکمیت، منجر به عدم توجه به منافع نسل‌های آینده شده و به طور مشخص در حوزه مخازن نفت و گاز، تولید صیانتی را به ورطه فراموشی می‌سپارد.

۲- در هنگام تشریح تفاوت‌های ایران و قطر از منظر بهره‌برداری از میدان مشترک پارس جنوبی- گنبد شمالی بیان کردیم که قطر، تقریباً تمامی مخازن نفت و گاز خود را از طریق قراردادهای مشارکت در تولید به شرکتهای نفتی بین‌المللی واگذار نموده است. می‌دانیم که قراردادهای مشارکت در تولید نسبت به سایر انواع قراردادهای، خطرات بیشتری در حوزه رعایت موازین تولید صیانتی دارد زیرا در این قراردادهای، شرکت نفتی برای مدت نسبتاً طولانی، عملیات بهره‌برداری از میدان را بر عهده دارد و حتی اگر در متن قرارداد، موضوع تولید صیانتی گوشزد گردد، توجه شرکت نفتی به کسب سود بیشتر می‌تواند انگیزه‌ای برای عدم رعایت اصول تولید صیانتی باشد. بنابراین قطر در توسعه و بهره‌برداری از این میدان مشترک، صرفاً و لزوماً باید از قالب‌های قراردادی دیگری استفاده نماید تا حداقل، عملیات تولید از میدان در اختیار شرکتهای نفتی بین‌المللی نباشد.

۳- قطر نیز مشابه ایران، باید فرمان قانونی مشخص و مدونی برای تولید صیانتی از مخازن خود تدارک ببیند. این قانون باید مسئولان و مهندسان این کشور را خصوصاً در شرکت نفت قطر به عنوان بازوی اصلی کشور در انجام پروژه‌های نفت و گاز ملتزم، مقید و متعهد به اجرای دقیق برنامه‌های تولید صیانتی از میادین نماید. این برنامه‌ها باید با ذکر جزئیات، طراحی و ابلاغ شود و همچنین در این فرمان قانونی، باید روش‌های دقیق نظارتی تدوین شده و تنبیهات لازم در مقابل تخلفات احتمالی پیش‌بینی شود.

۷- جمع‌بندی

میدان مشترک پارس جنوبی یک منبع عظیم و سرشار از ثروت طبیعی است که استفاده بهینه از آن صرفاً در گرو توجه به اصول و موازین تولید صیانتی است. این میدان به لحاظ موقعیت جغرافیایی در آبهای سرزمینی دو کشور ایران و قطر واقع شده است و این دو کشور با توجه به سهم سطح‌الارضی که از این میدان دارند، در شرایط متفاوت در حال توسعه و بهره‌برداری از آن هستند. سوابق عملکرد دو کشور در بهره‌برداری از این میدان، نشان از به‌کارگیری نوعی سیاست تهاجمی برای برداشت از میدان بدون توجه به ضوابط

تولید صیانتی دارد. دو کشور در حال حاضر در یک فضای رقابتی به منظور بالا بردن سطح تولید انفرادی خود به صورت یک جانبه عمل می‌کنند و به زعم مهندسان و کارشناسان صنعت نفت و گاز، آسیب‌های جدی به میدان وارد می‌آورند. این در حالی است که تمکین دو کشور به موازین تولید صیانتی، در بلندمدت منافع اقتصادی بسیار بیشتری نسبت به وضعیت کنونی برای آنها به ارمغان خواهد آورد. طبعاً ادامه رویه فعلی دستاوردی به جز خسارتهای بیشتر برای ایران و قطر به همراه نخواهد داشت و منجر به عدم بهره‌مندی نسلهای آینده از این ثروت سرشار طبیعی خواهد شد.

در این مقاله، اهمیت و ضرورت توجه به تولید صیانتی از میدان مشترک پارس جنوبی - گنبدشمالی را تشریح کردیم و برخی از لطامات حاصل از ادامه وضعیت فعلی را برشمردیم. در یک فضای منطقی، انتظار می‌رود دو کشور ایران و قطر، رعایت موازین تولید صیانتی را به اقدام یک جانبه در توسعه و بهره‌برداری از میدان ترجیح دهند، ولی کماکان مشاهده می‌شود که طرفین رفتار تولید حداکثری را برگزیده‌اند. آنچه بیش از همه نمود دارد آن است که در متون علمی، مطالعات و نشست‌های تخصصی، صاحب‌نظران بارها دو کشور را به بهره‌مندی از راهبردهای متعارف بهره‌برداری از میادین مشترک در معاهدات بین‌المللی تشویق نموده و سعی در التزام دو کشور به تبعیت از این راهبردها برای بهره‌مندی حداکثری از میدان مشترک داشته‌اند. لذا در یک چارچوب علمی سعی شد تا استفاده از این راهبردها برای میدان مشترک پارس جنوبی - گنبد شمالی مورد بررسی قرار گیرد. مشخص گردید که به دلایل متعدد، راهبردهای مطرح شده نمی‌توانند زمینه‌ساز توافق دو کشور ایران و قطر در بهره‌برداری از این میدان مشترک باشند. در واقع این قبیل توصیه‌ها، بدون توجه به نوع و حجم ذخایر میدان و وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورهای مشترک‌المنافع در میدان مشترک، کاربرد چندانی نخواهند داشت. با وجود این، بدون مدیریت فنی واحد قطعاً این میدان مشترک آسیب دیده و به مراتب کمتر از توان بالقوه‌اش تولید خواهد نمود و در نتیجه می‌توان گفت که نهایتاً ملت‌های ایران و قطر خسارت خواهند دید.

برای یافتن راهبرد عملی و اجرایی، از الگوی عقلانی در تصمیم‌گیری استفاده نمودیم. این الگو، مدل مناسبی برای حرکت دو کشور به سمت اتخاذ یک تصمیم مشترک برای مدیریت مشترک میدان و التزام به حفظ ضوابط تولید صیانتی می‌باشد. استفاده از این الگو،

مستلزم تأمین شرایط و مفروضات آن توسط دو کشور ایران و قطر می‌باشد. به اجمال دیدیم که این شرایط با ایجاد اصلاحاتی در نظام حقوق نفت و گاز دو کشور تحقق خواهد یافت. به همین منظور، نخست وضعیت حقوقی دو کشور در حوزه تولید سیانتری را شناسایی نموده و نقاط ضعف آنها را استخراج کردیم. در نهایت، الزامات حقوقی لازم‌الاجرا توسط کشورهای ایران و قطر را بیان نمودیم.

واضح است که این دو کشور، برای رسیدن به تولید سیانتری با اصلاحات ساختاری گسترده‌ای در نظام حقوق نفت و گاز خود مواجه خواهند بود. به عنوان مثال، در ایران تغییر ساختار نهاد ناظر بر عملکرد وزارت نفت در این زمینه از حساسیت‌ها و پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است. در قطر نیز اجرای اصلاحات به سادگی امکان‌پذیر نیست. تغییر دیدگاه نظام حاکمیت در جهت واگذاری حق مالکیت ثروت‌های طبیعی به ملت قطر، موضوعی نیست که به سادگی بتوان در نظام قانونگذاری قطر اجرایی نمود. با وجود این، توجه به منافع حاصل از رعایت اصول تولید سیانتری از میدان مشترک پارس جنوبی-گنبد شمالی و تغییر دیدگاه از کوتاه‌مدت و تک نسلی، به بلندمدت و بین‌نسلی، اجرای این اصلاحات را تسهیل نموده و مسیر انتفاع بیشتر ملت‌های ایران و قطر را در طول زمان هموار خواهد ساخت.

۸- منابع

الف) فارسی

۱- آل آقا، علی اکبر (۱۳۹۱)، «نشست تخصصی با موضوع مخازن مشترک نفت و گاز و بررسی راهکارهای تولید سیانتری»، گروه اقتصاد انرژی، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، مورخ ۱۳۹۱/۲/۲۵.

۲- استونر، جیمز و ادوار آر. فریمن و دانیل آر گیلبرت (۱۳۸۹)، مدیریت، ترجمه پارسائیان، علی و سید محمد اعرابی، انتشارات دفتر پژوهشهای فرهنگی.

۳- پرتال حقوقی قطر، www.almeezan.qa

کاربرد الگوی عقلایی در تصمیم‌گیری‌های راهبردی برای تولید صیانتی از میدان مشترک پارس جنوبی ... ۱۷۹

۴- تکلیف، عاطفه (۱۳۹۲)، «ساختار مجمع کشورهای صادرکننده گاز: عدم تجانس اعضا و معیارهای رتبه‌بندی آنها در اثرگذاری بر بازار گاز»، *فصلنامه اقتصاد انرژی ایران*، پاییز، دوره ۸، شماره ۲، صفحات ۶۷-۴۵.

۵- جوادی، رکن الدین (۱۳۹۳)، «گزارش مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران در افتتاحیه فاز ۱۲ پارس جنوبی»، مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۶.

۶- حاتمی، علی و اسماعیل کریمیان (۱۳۹۳)، *حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه‌گذاری*، انتشارات تپسا، چاپ اول، ۱۱۷۵ صفحه.

۷- درخشان، مسعود (۱۳۸۹)، «ملاحظات استراتژیک در تدوین سیاستگذاری‌های بالادستی نفت و گاز کشور»، *فصلنامه راهبرد*، سال نوزدهم، شماره ۵۷، زمستان ۱۳۸۹، صفحات ۱۰۹-۱۳۱.

۸- درخشان، مسعود (۱۳۹۱) «امنیت انرژی و تحولات آینده بازارهای نفت و گاز»، *فصلنامه راهبرد*، سال بیست و یکم، شماره ۶۴، پاییز ۱۳۹۱، صفحات ۱۸۸-۱۵۹.

۹- درخشان، مسعود (۱۳۹۲)، «ویژگیهای مطلوب قراردادهای نفتی: رویکرد اقتصادی-تاریخی به عملکرد قراردادهای نفتی در ایران»، *فصلنامه اقتصاد انرژی ایران*، سال سوم، شماره ۹، زمستان ۱۳۹۲، صفحات ۱۱۳-۵۳.

۱۰- درخشان، مسعود (۱۳۹۳)، «قراردادهای نفتی از منظر تولید صیانتی و ازدیاد برداشت: رویکرد اقتصاد مقاومتی»، *دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی*، سال ششم، شماره دوم، پیاپی بهار و تابستان، صفحات ۷-۵۲.

۱۱- سامانه قوانین مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی،

<http://rc.majlis.ir/fa/law>

۱۲- سجادیان، ولی اله (۱۳۹۱)، «نشست تخصصی با موضوع مخازن مشترک نفت و گاز و بررسی راهکارهای تولید صیانتی»، گروه اقتصاد انرژی، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، مورخ ۱۳۹۱/۲/۲۵.

۱۳- سعیدی، علی محمد (۱۳۸۱)، سه مقاله در «بررسی صنعت نفت و گاز کشور»، *فصلنامه مجلس و پژوهش*، شماره ۳۴، سال نهم، تابستان ۱۳۸۱، صفحات ۶۷-۱۸۸.

۱۴- سلیمانی، غلامعلی (۱۳۹۰)، «نقد و بررسی مدل عقلانی در تصمیم‌گیری در سیاست خارجی از گونه‌های تعدیل شده الگوی عقلانی تا مدل‌های جایگزین»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال بیست و پنجم، شماره ۲، تابستان، صفحات ۳۲۹-۳۵۹.

- ۱۵- شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۳)، *حقوق نفت و گاز*، نشر میزان، چاپ اول، ۷۱۲ صفحه.
- ۱۶- غفاری، علیرضا (۱۳۹۲). «زمینه‌های همگرایی و واگرایی ایران و قطر از منظر بهره‌برداری از منابع نفت و گاز»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال بیستم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۲، صفحات ۹۷-۱۱۶.
- ۱۷- کاشانی، جواد (۱۳۸۷)، «وضعیت حقوقی منابع نفت و گاز واقع در مرز بین کشورها»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، سال بیست و پنجم، شماره ۳۹، صفحات ۱۶۵-۲۱۹.
- ۱۸- کاظمی‌نجف آبادی، عباس (۱۳۹۳)، *آشنایی با قراردادهای نفتی*، انتشارات شهر دانش، چاپ اول، ۲۰۷ صفحه.
- ۱۹- گروه پژوهش مدرسه عالی حقوق (۱۳۹۳)، *حقوق قراردادهای نفت و گاز - داخلی*، *بین‌المللی*، انتشارات صابریون، ۲۷۲ صفحه.

ب) انگلیسی

- 1- Bastida, Ana E., Ifesi-Okoye, Adeze, Mahmud, Salim, Ross, James and Thomas Walde (2007), "Cross-Border Unitization and Joint Development Agreements: An International Law Perspective", *Houston Journal of International Law*, Vol. 27, No. 2.
- 2- Decree- law No.(30) of 2002, Environmental Protection.
- 3- Decree- law No.(4) of 1977, Preserving Oil Wealth.
- 4- Decree-law No.(10) of 1974, On the Establishment of Qatar General Petroleum.
- 5- International Energy Agency (2014), "How Will Global Energy Markets Evolve to 2040?", *World Energy Outlook 2014 Fatctsheet*.
- 6- Law No.(3) of 2007, Exploitation of Natural Wealth and Resources Thereof.
- 7- Qatar National Development Strategy (2011-2016).
- 8- Qatar National Vision 2030.
- 9- Valdez, Maria, Moubaydeen, Safwan and Nadine Naji (2014), *Oil and Gas Regulation in Qatar: Overview*, Energy and Natural Resources, Association of Corporate Counsel.
- 10- www.EIA.gov
- 11- www.IEA.org